

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۲۲، آدینه ۱ اردیبهشت ۱۳۹۱ - ۲۰ آوریل ۲۰۱۲

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * سی و هفتمین سال گلوله باران ۹ زندانی سیاسی...ص ۲
- * درگذشت احمد بن بلا را تسلیت می گوئیم...ص ۲
- * سرمقاله: نرمش بین چکش و سندان - منصور امان...ص ۳
- * کارگری: استثمار بیشتر با زر و ورق رشد «تولید ملی» - زینت میرهاشمی...ص ۶
- * جهان در آینه مرور: "نفوذیها" و "جاسوسها" در جنبش اشغال وال استریت - انتخابات ریاست جمهوری در مصر، آیا انقلاب شکست خورده است؟ - لیلا جدیدی...ص ۹
- * اقتصادی:
- ورشکستگی اقتصادی نتیجه پادویی نو-لیبرالیسم - جعفر پویه...ص ۱۳
- مواد غذایی به عنوان یک کالا - فرد مگدوف/مانتلی رویو - برگردان: آناهیتا اردوان...ص ۱۷
- اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها، تشدید تضاد طبقاتی و فریگی انگلوار وابستگان به رژیم - شهره صابری...ص ۲۰
- * یادداشت سیاسی: در مساله اتمی نتیجه بُرد بُرد بی معنی است - مهدی سامع...ص ۲۱
- * زنان: زنان در مسیر رهایی، فروردین ماه - آناهیتا اردوان...ص ۲۳
- * فرهنگ و هنر: رویدادهای هنری فروردین ماه - لیلا جدیدی...ص ۲۶
- * جنبش کارگری: حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین ماه - زینت میرهاشمی...ص ۳۱
- * گوناگون:
- تاریخ سر زمین ما - هوشنگ بهار...ص ۳۴
- تجلیل تمامیت فرانسه از ریموند اوبراک قهرمان بزرگ مقاومت ضد فاشیستی...ص ۳۶
- پیام به کنگره سراسری احزاب یارسانی...ص ۳۷
- بی خانمان سازی و جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف با فشار و تهدید برای انتقال دیگر ساکنان به لیبرتی بدون حداقلهای انسانی و با شکنجه معلولان و مجروحان...ص ۳۷
- بیانیه کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد درباره تعیین موقعیت پناهندگی ساکنان کمپ اشرف...ص ۳۸
- * فراسوی خبرها: ...ص ۳۹
- * شهدای فدایی در اردیبهشت ماه...ص ۴۳

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

سی و هفتمین سال گلوله باران ۹ زندانی سیاسی



در روز ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ روزنامه‌ها خبر ساختگی «۹ زندانی در حین فرار از زندان کشته شدند» منتشر کردند. از همان لحظه که این خبر منتشر شد همگان دریافتند که چریکهای فدایی خلق بیژن چزنی، حسن ضیاظریفی، احمد جلیلی افشار، مشعوف کلانتری، عزیز سرمدی، محمد چوپانزاده و عباس سورکی به همراه مجاهدان خلق مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار در تپه‌های اطراف زندان اوین توسط عوامل ساواک تیرباران شده‌اند. یاد و خاطره این رزمندگان آزادی هرگز فراموش نخواهد شد. همچنان که قتل عام هزاران زندانی سیاسی به فرمان خمینی جلاد در تابستان ۱۳۶۷ فراموش نخواهد شد.



درگذشت احمد بن بلا را تسلیت می‌گوئیم

احمد بن بلا، رهبر انقلاب الجزایر، از بنیان‌گذاران «جبهه آزادیبخش ملی الجزایر» و نخستین رئیس‌جمهور این کشور شامگاه دیروز، چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۱ (۱۱ آوریل ۲۰۱۲) در سن ۹۶ سالگی در شهر الجزیره درگذشت.

بن بلا بیش از ۲۴ سال از عمر خود را در زندان و چندین سال را در تبعید سر کرد و تنها در آخرین سالها به او اجازه بازگشت به الجزایر داده شد. احمد بن بلا در سال ۱۹۶۲ به ریاست جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر انتخاب و در سال ۱۹۶۵ با کودتای هواری بومدین، وزیر دفاع وقت، از مقام ریاست جمهوری برکنار شد.

بورژوازی الجزایر به خاطر اعتقاد زنده یاد احمد بن بلا به «سوسیالیسم خودگردان» از وی ناراضی و سرانجام دولت او را سرنگون کرد. وی پس از آزادی

از زندان خواهان اتحاد ملی در الجزایر شد و همه تلاش خود را بر مبارزه علیه نئولیبرالیسم، «نظم نوین جهانی» و سیاستهای مخرب امپریالیسم متمرکز کرد.

زنده یاد احمد بن بلا از شخصیت‌های نادری بود که نه تنها از سیاستهای «ضد آمریکایی» رژیم جمهوری اسلامی حمایت نکرد، بلکه در مخالفت با بنیادگرایی اسلامی در مجامع و کنفرانسهای بین‌المللی از مبارزات ضد استبدادی مردم ایران پشتیبانی می‌کرد.

احمد بن بلا با تاریخچه مبارزاتی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به خوبی آشنا و خود را از حامیان سازمان ما می‌دانست.

با درگذشت احمد بن بلا خلق الجزایر فرزند و پدری بزرگ را از دست داد. نام این رهبر بزرگ انقلاب الجزایر برای همیشه در تاریخ مبارزات آزادیبخش خلقهای جهان می‌درخشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در گذشت رفیق احمد بن بلا را به خانواده و یاران او، به مردم الجزایر و همه آزادیخواهان جهان تسلیت می‌گوید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پنجشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۱ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۲

سرمقاله.....

نرمش بین چکش و سندان

منصور امان

زمان کوتاهی پس از تایید ریاست دوباره آقای هاشمی رفسنجانی بر مجمع تشخیص مصلحت نظام، وی خواستار تغییر ریل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی گردید. او در این رابطه به سه محور "رابطه با آمریکا"، "مناسبات دوستانه با عربستان" و "عدم ماجراجویی در مورد فلسطینیها و شیعیان لبنان" اشاره کرد.

بی تردید اهمیت ابتکار آقای رفسنجانی به خاطر وزنه ای نیست که می‌تواند در ترازوی تعیین سیاستهای "نظام" بگذارد و کفه ای را به سود خط و دیدگاهش سنگین کند. او مُدتهاست که حاشیه ای بر متن سیاست رسمی محسوب می‌شود و در تعیین، هدایت یا تصحیح آن نقشی بازی نمی‌کند. نکته چشمگیر تر در این رابطه، علت تحرک یکباره او در حوزه حساس سیاست خارجی و تریبون گذاری در قلمروی است که به ظاهر برای "رهبر" رزرو شده است. سخنان وی که همزمان با آغاز تدارکات برای نشست جمهوری اسلامی با طرفهای خارجی خود بیان گردید را می‌توان خط مقیاسی از درجه شدت بحثها در ساختار قدرت پیرامون مسیر کنونی، ظرفیت و آینده آن پنداشت.

این شگفت آور نیست که جایگاه خط مشی حاضر و چشم انداز آن به موضوع بحث در ساختار قدرت تبدیل و مرزهای ممنوعه پیرامون آن به تدریج به عقب کشیده شود. یک نگاه گذرا به شرایط مشخصی که آقای رفسنجانی از مدخل آن طرح خود را ارایه کرده، نشان می‌دهد مهار اهرمهای اقتصاد کشور به شتاب از دستان حکومت خارج می‌شود و این در حالی ست که تحریمهای در دستور کار غرب علیه جمهوری اسلامی هنوز به تمامی به مرحله اجرا در نیامده است.

تحریمهای نفتی اتحادیه اروپا که در بهمن ماه به تصویب ۲۷ عضو آن رسید، در اول ماه میلادی جولای (تیر ماه) نهایی خواهد شد. تا این تاریخ، مهمترین خریداران نفت جمهوری اسلامی در اروپا یعنی، ایتالیا، یونان و اسپانیا می‌توانند برابر با قراردادهای معتبر خود عمل کنند.

تحریم بخش نفتی

در همین حال، پروسه فشار بر شاهرگ حیاتی رژیم ولایت فقیه در بازارهای آسیایی نیز جریان دارد. جمهوری اسلامی نزدیک به نیمی از نفت صادراتی خود را در این حوزه به فروش می‌رساند.

* ژاپن که تا پیش از وضع تحریمهای نفتی، ۳۴۴ هزار بشکه نفت در روز از ایران وارد می‌کرد، اینک اعلام کرده است که خرید خود را به میزان ۲۸ درصد کاهش داده که این رقم نسبت به زمان مشابه در سال گذشته، ۴۳ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

با این حال، پایوران نفتی ژاپن اطلاع داده اند که در ادامه ی کاهش خرید نفت از جمهوری اسلامی، چهار پالایشگاه بزرگ این کشور نیز قراردادهای خرید نفت خود را تمدید نکرده و واردات از ایران را قطع کرده اند.

* گره جنوبی، یکی دیگر از مشتریان عمده جمهوری اسلامی در آسیا، به گونه غیر رسمی از کاهش ۱۵ تا ۲۰ درصدی واردات نفت خود از ایران خبر داده است. سؤال که پیشتر واردات محصولات پتروشیمی از ایران را ممنوع کرده، سیاست خود در مورد تحریم نفتی را با گامهای اتحادیه اروپا تنظیم می کند و عملی ساختن قصد خود را به ماه جولای یعنی، زمان به دست اجرا نهاده شدن تحریمهای این اتحادیه موکول کرده است.

* هندوستان نیز که در این میان به جایگاه دومین وارد کننده آسیایی نفت ایران فراز یافته، به همین گونه در حال سوار شدن بر این قطار است. بزرگترین خریدار هندی نفت ایران که یک پالایشگاه دولتی (مانگالور) است، اعلام کرده است که واردات خود را از ۱۵۰ هزار بشکه در روز به ۸۰ هزار بشکه کاهش می دهد. همچون سئول، دهلی نو نیز اعلام داشته که از ماه جولای در جهت کاهش بیشتر خرید از جمهوری اسلامی حرکت خواهد کرد.

بر اساس همین تحولات و چشم اندازهای نفتی جمهوری اسلامی پس از رسمیت یافتن تحریمهای اتحادیه اروپا، آژانس بین المللی انرژی اتمی برآورد کرده است که تولید نفت خام جمهوری اسلامی تا تابستان سال جاری به ۹۵۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد.

قفل سیستم بانکی

* ساعاتی پیش از آغاز سال جدید، در ۲۸ اسفند، اتحادیه اروپا اعلام کرد که درب سرویسهای بین المللی نقل و انتقال پول را به روی بانکها، موسسه ها و پایوران رژیم مَلاها که در لیست سیاه این اتحادیه قرار دارند، می بندد. مقامهای اتحادیه اروپا روشن ساختند که این تدبیر بیش از همه متوجه موسسه خدمات دهنده "سویفت" (SWIFT) می شود. موسسه مزبور یک حلقه پیوند کلیدی بین بانکها و موسسات مالی جهان برای نقل و انتقال ارز به شمار آمده و بخش عمده ای از تجارت جهانی و از جمله، معاملات نفتی و گازی از کانال آن صورت می پذیرد.

تاثیر این اقدام بر معاملات و داد و ستدهای خارجی جمهوری اسلامی ویرانگر خواهد بود. ۴۰ بانک و موسسه مالی اغلب دولتی در ایران دارای "سویفت کد" یا حساب رسمی نزد این موسسه هستند که به گفته منابع حکومتی، در مجموع ۹۲ درصد بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی توسط آنها انجام می شود. همانگونه که پیداست، بخش نفت و گاز حکومت با بیشترین تاثیر از حذف ابزارهای پایه ای معامله روبرو خواهد بود. با توجه به وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای این بخش، مفهوم دیگر تحول مزبور، تنگ شدن دریچه تغذیه حکومت و به خشکی کشانده شدن منابعی است که هزینه سیاستهای خود می کند.

* چند ماه پیشتر (آبان ماه)، دولت انگلیس با ممنوع کردن بانکها و موسسات مالی انگلیسی از هر گونه داد و ستد و رابطه با بانک مرکزی جمهوری اسلامی، رابطه سیستم بانکی-مالی جمهوری اسلامی با "لندن سیتی"، دومین مرکز مالی جهان بعد از "وال استریت" را قطع کرده بود. انگلیس در همین راستا، داراییها و سپرده های بانک مزبور را نیز توقیف کرد.

* همزمان با افزایش فشار اروپا و اقدام آمریکا در مشمول کردن معاملات مالی با جمهوری اسلامی در چارچوب قوانین پولشویی، داد و ستد بر اساس ریال در بزرگترین مرکز تجارت غیرمستقیم جمهوری اسلامی نیز متوقف گردید. از نخستین هفته سال ۹۱، نزدیک به همه صرافیهای عمده امارات متحده عربی از خرید و فروش ریال و گرفتن یا ارسال حواله خودداری کرده اند. بر اساس گزارش منابع رسمی امارات، نزدیک هشت هزار شرکت ایرانی که بیشتر آنها به واردات کالا اشتغال دارند، در این کشور به ثبت رسیده اند. تحوّل مزبور ادامه فعالیت این شرکتها را با علامت سووال روبرو کرده است. کمی پیشتر، در اسفند ماه اعلام گردیده بود که "بانک اسلامی نور" به روابط و معاملات خود با جمهوری اسلامی خاتمه داده است. بانک مزبور به اعضای خانواده حاکمان امارات تعلق دارد و به نوشته "وال استریت جورنال"، یکی از مهمترین راههای حاکمان ایران برای انتقال و دریافت درآمدهای نفت خود به شمار می رفته است.

انتخابات

با این حال، آنچه که تشدید فشارهای نفتی و مالی و زیر قیچی رفتن بند ناف حکومت را برای رهبران و پایوران آن خطرناک می کند، شرایط مشخص اقتصادی ای که به گونه مجرد پدید می آورد، نیست؛ خطر در بیان و بازتاب اجتماعی و سیاسی این شرایط نهفته است و واکنشی که می تواند برانگیزد و نیروهایی که می تواند فعال کند. این فاکتور قادر است

در بحث "رابطه با آمریکا" یا به بیان دیگر، پایین کشیدن فتیله بحران برای از سر گذراندن توفان، قوی ترین استدلال را عرضه کند و همین طور، بیشترین مُشوق برای حرکت در این مسیر باشد.

نمایش انتخابات مجلس، بهترین فرصتی بود که حکومت می توانست برای ارزیابی موفقیت خود در سرکوب جامعه و به اطاعت کشاندن آن داشته باشد. برای نخستین بار پس از خیزشهای سراسری ۱۳۸۸، رژیم ولایت فقیه و جامعه، خود را در یک میدان نبرد گسترده در برابر یکدیگر می یافتند. هر گاه صحنه نبرد خالی می ماند و یا حکومت می توانست به وسیله پراکنده کردن نیروها و گردانهای آن از راه تهدید، رشوه و فریب، جبهه مُقابل را تضعیف کند، مسیر برای تداوم سیاست گُنونی از جُمله در پهنه خارجی باز می ماند. برعکس، در صورتی که "نظام" در این آزمون مردود می شد، ریسکهای خط مشی مزبور به گونه جُبران ناپذیری افزایش می یافت و با مبنای خود یعنی، ثبات و حفظ قُدرت در تناقض قرار می گرفت. هیچکس بهتر از آقای خامنه ای و همدستانش نقش نمایش انتخابات در تعیین سیاستهای کُلی "نظام" را بازگو نکرده است. آنها در پروسه تدارک این خیمه شب بازی، گام به گام بیشتر روشن کردند که از نظر آنان موضوعی که به "انتخاب" گذاشته شده، نه چگونگی ترکیب آتی مجلس بلکه، آرایش فعلی "نظام" است. حاکمان برای جامعه استدلال می کردند که تضعیف حکومت در نتیجه تحریم انتخابات، عاملی برای تشویق طرفهای خارجی "نظام" - و به بیان آنها "دُشمنان" - به تشدید فشارها و سپس حمله نظامی خواهد بود. دستگاه قُدرت به این وسیله توده ها را در برابر انتخاب دروغین بین دو گزینه "نظام" یا تشدید تحریمها و جنگ قرار می داد. یک نماینده مجلس به نام مُصطفی رضاحسینی این باجگیری ناشیانه را اینگونه تشریح کرده است: "دُشمن اگر ببیند که مردم در انتخابات مجلس نُهم مشارکت نخواهند کرد، آن موقع به بهانه دفاع از آزادی خواهان و همانند بازیهایی که برای افغانستان و عراق درآورد، هوس کشورگشایی و جنگ افروزی خواهد کرد. اما اگر یک حضور چشمگیر و دُشمن شکن پُرشوری داشته باشیم، همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند، طبیعی است که دُشمن به هیچ وجه به مُخیله اش نخواهد گنجید که به مرزهای ما دست درازی کند یا بخواهد در امور داخلی کشور ما دخل و تصرفی داشته باشد."

پیامی که حکومت گرفت

بایکوت چشمگیر و سراسری نمایش انتخابات، شکاف بین حکومت و جامعه و در پیامد آن، بی تاثیری راه انداختن میدانهای فرعی برای به حاشیه بردن تضاد اصلی را به روشنی به نمایش گذاشت.

روز ۱۲ اسفند، همه ی "پیام" هایی که آقای خامنه ای قصد داشت برای "دوستان و دُشمنان" بفرستد، به موجز اما روشن ترین شکل ارسال گردید. قوی ترین علامت را ولی خود "نظام" دریافت کرد و چندان از شنیدن آن سراسیمه شد که با وجود تدارکات گسترده و هزینه هنگفت برای رنگ و لعاب زدن به سیرک انتخابات، حتی از سر هم کردن آمار و ارقام لازم نیز ناتوان ماند. رُسواییهای لو رفته بر سر صحنه، نشان از غافلگیری حکومت در برابر واکنش اعتراضی جامعه و فراتر رفتن آن از بدبینانه ترین حالتی بود که پیش بینی و تدارک دیده بود.

از این هنگام به بعد، تریبون به روی بحث در باره چگونگی کاهش فشارهای خارجی و جلوگیری از افزایش تاثیر آن بر "دُشمنان" اعتماد ناپذیر داخلی، گشوده شد و ارسال پیام، این بار به گونه دیگر آغاز گردید.

برآمد

رژیم جمهوری اسلامی زیر فشار داخلی و خارجی، در حال جُستجوی راهی برای خارج شدن از تنگنا است و زیر تابلوی "رابطه با آمریکا" یا مُذاکره در استانبول و بغداد، چراغ قُوه به دست به اطراف رهسپار گردیده است. این یک فعالیت شناخته شده حاکمان جمهوری اسلامی در همه شرایط مُشابهی ست که تا کنون در آن قرار گرفته است. فعالیتها و ابتکارهایی که بر این مبنا صورت می پذیرد، هر چیزی به جُز قصد و اراده برای دست یافتن یا نزدیک شدن به راه حل بُحران به گونه موثر و لمس پذیر است. این نتیجه گیری، هم در مورد روابط خارجی و هم در مورد مُناسبات داخلی آن صدق می کند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

کارگران و مزدبگیران.....

استثمار بیشتر با زر و رَق رشد «تولید ملی»

زینت میرهاشمی



زمانی که ولی فقیه سال ۹۰ را سال «جهاد اقتصادی» نامگذاری کرد، در پایان سال ریال تبدیل به کاغذ پاره ای بی ارزش شد. در سال ۹۰ بزرگترین و بی سابقه ترین اختلاس مالی با همکاری پایوران رژیم صورت گرفت. همچنین ارزش دلار از ۱۱۰۰ تومان به بیش از ۲۰۰۰ تومان در ماههای پایانی سال ۹۰ رسید. محتوای نامگذاری سال جدید توسط خامنه ای با استثمار بیشتر رقم خواهد خورد. شعار خامنه ای تحت عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» در سال ۹۱، از همان جنس وعده هایی است که مانند حباب در هوا می ترکد.

وضعیت اقتصادی آن چنان بحرانی است که کارگزاران رژیم چشم انداز روشنی برای بهبود وضعیت به تصویر نمی کشند. یکی از شعارهای احمدی نژاد در هنگام اجرایی کردن حذف یارانه ها، به

کارگیری بخشی از یارانه ها در واحدهای تولیدی و تقویت نیروهای تولیدی داخلی بود. بر اساس همه داده های آماری و گزارشهای منتشر شده از نهادهای حکومتی، در یک سال و چندی که طرح هدفمندی یارانه ها عملی شده، شمار واحدهای تولیدی تعطیل شده افزایش یافته است.

مبلغ تعیین شده به عنوان حداقل دستمزد برای سال ۹۱، با توجه به نرخ تورم، نمایی از توخالی بودن نامگذاریهای ولی فقیه برای امسال است. در پایان سال ۹۰، شورای عالی کار با تعیین ۳۸۹ هزار و ۷۵۴ تومان به عنوان حداقل دستمزد، نوید افزایش فقر و تنگدستی به کارگران و مزدبگیران برای امسال را داد. حداقل دستمزد اعلام شده شامل آن درصد از کارگران و مزدبگیرانی می شود که تحت قانون کار هستند. برای کسانی که قانون کار در مورد آنان شامل نمی شود وضع از این هم بدتر است.

این دستمزد هیچ همخوانی با نرخ تورم ندارد. در حالی که نرخ واقعی تورم از طرف هیچ نهاد رسمی اعلام نمی شود، بانک مرکزی نرخ تورم را ۲۱.۵ درصد اعلام کرد. خبرگزاری حکومتی ایلنا روز دوشنبه ۱۴ فروردین، به نقل از واحد اطلاعات اکونومیست، اعلام کرد که نرخ تورم در فروردین ماه به ۲۳،۶ درصد افزایش یافته است. همین خبرگزاری از قول اطلاعات اکونومیست می نویسد که نرخ تورم در ماههای آینده همچنان سیر صعودی خواهد داشت.

مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران، در رابطه با تورم در خبر آنلاین جمعه ۱۱ فروردین نوشت: «از ۳۰ سال گذشته تا کنون میزان حقوق پایه یک حقوق بگیر حدود ۸۴ درصد رشد داشته، در حالی که قیمت برخی کالاها، مانند بنزین، ۸۰۰ برابر شده است».

فرامرز توفیقی، عضو کمیته مزد تهران نرخ خط فقر شدید را ۷۰۰ هزار تومان برآورد می کند و بر این اساس اعلام می کند که؛ ۶۰ درصد از کارگران قانونی زیر خط فقر شدید قرار دارند. وی تاکید که؛ نرخ خط فقر از یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۰ به یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان افزایش یافته و بنابراین بر طبق مصوبه مزدی در سال ۱۳۹۱ کارگرانی که پایه دستمزد دریافت می کنند زیر خط فقر شدید در محدوده خط بقاء (خط مرگ) گذران معیشت می کنند.

اجرای بخش دوم هدفمندی یارانه ها

در حالی که اجرای فاز دوم حذف یارانه ها یا هدفمندی یارانه ها تبدیل به موضوع کشمکش برای تصفیه حسابهای دولت و مجلس شده، شعار افزایش ۲۸ هزار تومان یارانه ها دروغ از آب درآمد. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس رژیم روز ۵

شنبه ۱۷ فروردین، در واکنش به بی‌اعتنایی دولت به جایگاه مجلس، حرفهای احمدی نژاد را «بسیار شعارگونه» و غیر جدی تلقی نمود.

از طرف دیگر لاریجانی رئیس مجلس روز ۵ شنبه ۱۷ فروردین از هیچ گرفتن مجلس توسط احمدی نژاد به خشم آمده و اظهار داشت: «بدون مصوبه مجلس نمی‌توان گام دوم هدفمندی یارانه‌ها را اجرا کرد.»

در پشت هیاهوی دعوای مجلس و دولت بر سر میزان یارانه‌های پرداختی به مردم، واقعیت چیز دیگری است. هدفمندی یارانه‌ها که در اصل همان حذف یارانه‌ها است، باعث رشد قیمت‌ها و نرخ تورم شده است. میزان کمکهایی که در برابر حذف یارانه‌ها پرداخت شده هیچ همخوانی با افزایش قیمت همه اجناس و کالاهای سوختی ندارد. بر همین منظر، دستاورد حذف یارانه‌ها، افزایش تورم، گسترش فقر و تعطیلی بیشتر واحدهای تولیدی داخلی است. لاریجانی در مجادله با احمدی نژاد، می‌گوید: «قرار بود از محل منابع اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، درمان رایگان در اختیار مردم گذاشته شود»، که چنین نشد.

طی یک ماه اخیر به ویژه ایام نوروزی مردم یک باره با افزایش قیمت‌های مواد خوراکی و سوختی روبرو شدند. بر اساس گزارشهای پخش شده بهای مواد خوراکی طی یک ماه اخیر دو برابر شده است. مردم باید بهای افزایش کالاها را با وعده احمدی نژاد مبنی بر افزایش یارانه‌ها که هنوز به حسابشان ریخته نشده است بپردازند. براساس گزارش خبرگزاریها، قیمت مواد خوراکی بیش از ۱۰۰ درصد در روزهای پایانی سال و آغاز سال جدید افزایش داشته است. اگر تقسیم منابع مالی از حذف یارانه‌ها موضوع دعوای پایوران رژیم است، افزایش بهای مواد اولیه زندگی و فقیرتر شدن مردم واقعیت سیاست «هدفمندی یارانه‌ها» است که بر دوش مردم سنگینی می‌کند.

لایحه بودجه ۱۳۹۱

روز دوشنبه ۲۱ فروردین، کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۹۱، بنا به «مصلحت» و به توصیه ولی فقیه به تصویب مجلس نشینان رسید. طرح بودجه سال ۱۳۹۱، یک روز قبل از تصویب در جلسه کمیسیون تلفیق مجلس به ۸ دلیل مورد تایید قرار نگرفته بود. چندی پیش لاریجانی از احمدی نژاد بر سر به هیچ گرفتن مجلس در اجرای فاز دوم یارانه‌ها، به خامنه‌ای متوسل شد. وی در نامه‌اش از ولی فقیه تقاضا کرد که بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی در این امر به نفع مجلس مداخله کند.

لاریجانی در هنگام تصویب کلیات لایحه بودجه بر توصیه خامنه‌ای در تصویب آن به نفع دولت احمدی نژاد تاکید کرد. این امر یک بار دیگر بر پوشالی بودن قوه مقننه رژیم مهر تائید زد. بی‌خاصیت بودن مجلس بارها در تضاد با دولت و با مداخله خامنه‌ای خود را نشان داده است.

لایحه بودجه سال ۱۳۹۱، محصول اتاق فکر اقلیتی محدود و چپاولگر است که نفع سرمایه داران و استثمار بیشتر کارگران و مزدبگیران را برنامه ریزی کرده است. بر همین منظر بحران اقتصادی، تورم، بیکاری، ناامنی و آسیبهای اجتماعی را هر چه بیشتر افزایش خواهد داد.

مجلس نشینان ۸ دلیل را علت مخالفت خود با لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ اعلام کرده بودند. معترضان بی‌عرضه حتی یکی از ماده‌های مورد اعتراض خود را هم نتوانستند در لایحه فوق وارد کنند و دریست نظر احمدی نژاد را پذیرفتند. در حالی که همه موارد مدتهاست مورد مشاجره باندهای در قدرت است.

به نظر معترضان، قانون هدفمندی یارانه‌ها، نرخ ارز، سقف بودجه، میزان انتشار اوراق مشارکت، و توزیع آن در لایحه بودجه مشخص نشده است. می‌توان گفت مجلس مجبور شد که لایحه دست پحت دولت احمدی نژاد را با حمایت خامنه‌ای تصویب کند.

با این لایحه دست دولت در انتشار هر جمعی از اوراق مشارکت باز گذاشته شده است. انتشار اوراق مشارکت جمع کردن نقدینگی در دست دولت است. این امر بدهیهای دولت به بانکها را افزایش خواهد داد. خبرگزاری حکومتی فارس در اسفند ۱۳۹۰ گزارش کرد که «بدهی دولت و شرکتهای دولتی به سیستم بانکی در پایان سال ۸۹ به مرز ۵۵ هزار میلیارد تومان رسید و طی ۴ سال دو برابر شده است».

در حالی که «برادران قاچاقچی» احمدی نژاد و مافیای شریک در قدرت به واردات کالاهای بنجل اقدام می کنند، طبیعی است که کمتر از یک سوم واحدهای تولیدی فعال باشند. کارگران و مزدبگیران ۳۸ واحد تولیدی که اکنون در سطح کشور فعال هستند، چشم انداز روشنی از نظر کار، امنیت شغلی و زندگی حداقل را در سال «تولید ملی» خامنه ای نمی بینند. خبرگزاری دولتی ایلنا روز یکشنبه ۲۰ فروردین از قول یک فعال کارگری اعلام کرد؛ به علت وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی ۳۰ درصد از کارگران واحدهای تولیدی از ابتدای سال ۱۳۹۱ اخراج شده اند. بنا بر این گزارش طی سال گذشته تعداد زیادی از واحدهای تولیدی تعطیل و ورشکست شده اند و در صورت «عدم ارائه بسته های حمایتی دولت به کارفرمایان، پیش بینی می شود تا پایان سال جاری بخش عمده ای از کارگران فعال در واحدهای تولیدی اخراج شوند». همین خبرگزاری در روز سه شنبه ۲۲ فروردین خبر از بیکار شدن ۱۵۰ کارگر کارخانه نوید منگنز اصفهان داد. به گزارش روز ۱۹ فروردین خبرگزاری حکومتی فارس، کارخانه آجر ماشینی جیل در اهواز از ابتدای امسال تعطیل و ۲۱۰ کارگر این کارخانه بیکار شدند.

خبرگزاری حکومتی ایلنا در روز ایلنا، ۱۸ فروردین خبر داد که، تمامی کارگران کارخانه تولید شمش چدن شرکت ذوب آهن غرب کشور (کوره بلند) در همدان در نخستین روز کاری سال ۱۳۹۱ اخراج شدند. همین خبرگزاری در روز ۱۵ فروردین از اخراج ۶۵۰ کارگران قرار دادی و روزمزد کارخانه شهاب خودرو خبر داد. به گزارش انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، شرکت اسنوا در اصفهان از روز اول بعد از تعطیلات نوروز امسال ۱۲۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرده و قصد اخراج تدریجی ۷۰۰ نفر دیگر را دارد.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر



کارگران و مزدبگیران جهان خود را برای برپایی روز اول ماه مه، سازمان می دهند. در حالی که فعالان کارگری در ایران به دلیل شرکت در گردهمایی روز کارگر و دفاع از حقوق خود در زندان به سر می برند. کارگران ایران برای سازمانیابی خود جهت برگزاری روز اول ماه، زیر شدیدترین فشار و

سرکوب هستند. نهادهای دولت ساخته کارگری برای به حصار کشیدن خواسته های کارگران در چارچوب حکومت و باندهای آن، در برگزاری این روز در چارچوب قانون ضد کارگری موجود تلاش می کنند. با درود به کارگران و نیز فعالان کارگری که خود را برای شکستن حصارهای حکومتی و همایش مستقل آماده می سازند، روز کارگر را تبریک می گویم. روز ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر، در همبستگی با فعالان سندیکایی و فعالان کارگری در زندان، فریاد می زنیم کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۲۰)

"نفوذیها" و "جاسوسها" در جنبش اشغال وال استریت انتخابات ریاست جمهوری در مصر، آیا انقلاب شکست خورده است؟ لیلا جدیدی

"نفوذیها" و "جاسوسها" در جنبش اشغال وال استریت

جنبش اشغال وال استریت با وجود عمر کوتاه خود دستاوردهای بزرگی داشته است که از جمله مهمترین آنها جهت دادن بحثهای اقتصادی به سمت موضوعات ریشه ای و اساسی است. این در حالیست که طرف مقابل هم خاموش ننشسته و برای تخریب آن از شگردهای گوناگونی استفاده کرده است. یکی از مهمترین و موثرترین حرکات بازدارنده و ویرانگر که اثرات آن از سرکوب مستقیم پلیسی نیز مخرب تر به شمار می رود، فعالیت نیروهای "نفوذی" در داخل این جنبش است. هدف از رخنه دادن این افراد درهم شکستن تشکیلاتی جنبش و منحرف کردن نظری آن به صورتی است که از پرداختن به موضوعات اصلی باز بماند. همزمان، این سیاست پلیسی تلاش دارد چهره نا خوشایندی به جنبش بدهد تا مانع نفوذ و محبوبیت آن در جامعه شود. فعالان این جنبش که برای زنده نگاه داشتن و پیشبرد آن پیگیرانه تلاش می کنند، روزانه باید با اعمال مخرب "نفوذیها" و "جاسوسها" نیز دست و پنجه نرم کنند.

"کاون ریس"، یک فعال سیاسی که رهبری تشکلی به نام "رفرم در سیاست مواد مخدر" را به عهده دارد، در گزارشی در دو بخش به این معضل پرداخته است. بخش اول این گزارش طرز کار و شناسایی "نفوذی" ها و اقدامات مخرب آنها را مورد بحث قرار داده و در بخش دوم، تاریخ نقش "نفوذی" و اقداماتی که باید برای پیشگیری صورت گیرد، بررسی می شود.

در بخش نخست "ریس" به افرادی اشاره می کند که با لباس و کوله پشتی و ظاهری شبیه معترضان وارد جمع آنان می شوند. وی می گوید: "آنها از همان روزهای نخست وارد پارک شده و در بین جمعیت جا پراکنده شدند تا در موقعیتی مناسب با پلیس درگیری ایجاد کنند. پلیس نیز به طبع واکنش نشان داده و به درگیری با معترضان می پردازد. برخی از این افراد از سوی کمپانیهای بزرگی که جنبش آنها را افشا کرده، اجیر شده اند، برخی نیز در استخدام گروههای محافظه کار دست راستی هستند. احزاب سیاسی که از جانب کمپانیهای بزرگ حمایت مالی می شوند نیز نفوذی و جاسوس به میان معترضان می فرستند. "حزب دمکرات" نیز که مایل است جنبش اشغال را همچون "تی پارتی" که محفلی از راستها است، وابسته به خود کند، در این فعالیتها دست دارد.

"نفوذیها" و "جاسوسها" در سراسر کشور و در هر جایی که جنبش اشغال فعال است، رخنه کرده اند. افراد نفوذی با تخریب ساختمانها و غیره تلاش می کنند که جنبش را به دو دسته خشونت گرا و مسالمت جو تقسیم کنند تا موجبات سردرگمی مردم و ایجاد شک و تردید بین آنها نسبت به جنبش را فراهم آورند. "کاون ریس" در گزارش خود که حاصل گفتگوهای وی با فعالان است، به این جمعبندی رسیده که نفوذیها در همه جا از تاکتیکهای مشترکی استفاده کرده اند.

روشهای همگون و سازمان یافته افراد "نفوذی" در زیر به طور خلاصه دسته بندی شده است.

۱- پیش کشیدن بحثهای جدل برانگیز برای ایجاد دو دستگی، طرح موضوعات خارج از بحث به عنوان موارد اضطراری، کشاندن بحث به موضوعات شخصی، زیر سوال بردن پیشنهادات دیگران، ایجاد بدگمانی نسبت به افرادی که دارای اتوریته هستند و یا پراکندن تردید نسبت به تواناییهای آنها، بدگویی از افرادی که بیشتر کار و فعالیت می کنند و به طبع نقش رهبری امور را به دست می گیرند، مطرح کردن دیدگاههای ضد رهبری و مشکل تراشی بر سر راه افرادی که داوطلب کمک به جنبش هستند، پخش تهمت و افترا در باره مسایل مالی.

۲- ایجاد اختلال در فعالیت رسانه های اجتماعی همزمان با تلاش برای به دست گرفتن کنترل وب سایتها، صفحات فیس بوک و تویتر.

در مواردی افرادی که صفحات فیس بوکی برای جنبش به راه انداخته اند و حق "ادمین" یا مدیریت آن را به دیگران داده بودند، ناگهان از صفحه حذف یا ممنوع الورد می شوند و رسانه ایجاد شده در اختیار افراد نفوذی قرار می گیرد.

۳- زیر سووال بردن مسوولان در رابطه با کمکهای مالی و متهم کردن آنها به سوواستفاده و براه انداختن پرسش "پولها کجا رفتند؟" و مسایلی از این دست.

تاریخ "نفوذی"

نفوذ در جنبشهای سیاسی بسیار عادی است و در آمریکا بدون سابقه نیست. روزنامه "گاردین" در این باره می نویسد: "از هر ۴ هکر، یک نفر مامور اطلاعاتی "اف بی ای" است." در این مقاله توضیح داده شده که "اف بی ای" با تهدید هکرها به مجازاتهای طولانی، آنان را به خدمت خود در می آورد. "کلون ریس" در بخش دوم گزارش خود می نویسد: "زمانی که تاریخ نفوذ افراد مزدور در جنبشها که به استخدام پلیس و یا حکومت در آمده اند را مطالعه می کنیم، متوجه می شویم که جای تعجبی ندارد که آنها به جنبش اشغال وال استریت نیز راه یافته اند."

وی پس از بررسی مشروحاتی از نمونه های به کارگیری این ترفند پلیسی در تاریخ جنبشها در آمریکا می گوید: "حتی برای افرادی همچون "مارتین لوتر کینگ" و "آلبرت اینشتین" هم جاسوس خصوصی به کار گرفته شده بود. استخدام جاسوس و نفوذی در آمریکا بسیار معمول است و استثنا هم نداشته است."

وی می افزاید: "بنابر تحقیقاتی که در این زمینه شده است و بر پایه اطلاعات گرفته شده از اسناد ارتش در آمار سال ۱۹۷۸ قرار دارد، برای هر ۶ معترض، یک جاسوس تعیین می شود. جاسوسان و نفوذیها تنها وظیفه گردآوری اطلاعات را ندارند، بلکه آنها در فعالیت جنبشها نیز به طور مستقیم شرکت دارند، حمله به مراکز دولتی و درگیری خشونت آمیز با پلیس، مشخصه این مشارکتهاست.

پس از ۱۱ سپتامبر، بازار نفوذی و جاسوس داغ تر شده است. گمراه کردن، خنثی سازی و بی اعتبار کردن هر جنبش و اقدام اعتراضی همچنان هدف این اقدامات را تشکیل می دهد که به صورتهای زیر انجام می شود و عناصر پلیس را از فعالیت در این حوزه ها می توان شناسایی کرد:

- ۱- با ایجاد یک صحنه غیر منتظره و غیرعادی توسط پلیس دستگیر می شوند و سپس اطلاعات منفی از سابقه خود به پلیس می دهند تا بدین صورت چهره فعالان جنبش را تخریب کنند.
- ۲- شکستن اتحاد داخلی گروهها با دامن زدن به بحثهای نژاد پرستانه و فرستادن نامه های بی امضا برای برپا کردن ایجاد اختلاف و تضاد.
- ۳- نسبت دادن دزدی به گروهها

- ۴- جلوگیری از شرکت دیگران در کارهای گروهی از طریق بدگویی و دادن نسبتهای دروغ به آنها
- بخش سوم این گزارش که به راههای مقابله با این افراد اختصاص یافته، بعداً منتشر می شود.

انتخابات ریاست جمهوری در مصر، آیا انقلاب شکست خورده است؟

جنبشهای کشورهای عربی که در دسامبر ۲۰۱۰ از تونس آغاز شد، وارد سال دوم حیات خود شده است. در این مدت سه حاکم دیکتاتور در تونس، مصر و لیبی سرنگون شده اند. در یمن، "علی عبدالله صالح" قدرت را واگذار کرد و در بحرین و سوریه درگیریهای خونین ادامه دارد. با این حال، آینده ی تمامی این جنبشها نه تنها نامشخص بلکه در مخاطره است. در این میان جنبش در مصر که برای مدتها مرکز توجهات بود، روزهای سرنوشت سازی را می گذراند. انتخابات ریاست جمهوری در حالی در راه است که تبادل قدرت بین کسانی صورت می گیرد که نقش برجسته ای در جنبش دموکراسی خواهانه مردم مصر نداشتند. کاندیداهای "سلفیها"، بازماندگان "مبارک" و "اخوان المسلمین" در صف اول قرار گرفته اند. بررسی تحولات این دوره که شاید بتوان به لحاظی آن را حساس ارزیابی کرد، می تواند آموزشهای مفیدی برای جنبش مردم ایران نیز داشته باشد. از همین رو، نخست به رویدادهایی که در آستانه انتخابات جریان دارد پرداخته و سپس نقش و چشم اندازی که برخی از فعالان اصلی این جنبش ارایه می دهند را بررسی می کنیم.

انتخابات ریاست جمهوری مصر قرار است در روزهای ۳ و ۴ خرداد سال جاری (۲۳ و ۲۴ ماه می) برگزار شود. آخرین مهلت برای ثبت نام نامزدها برای شرکت در آن در روز یکشنبه ۲۷ فروردین (۱۵ آوریل) به پایان رسید. پیشاپیش شواهدی وجود داشت که از جریان داشتن رقابت اصلی بین متحدان سابق "مبارک" و گروههای اسلامی حکایت می کرد، اما در یک حرکت پیش بینی نشده، پس از اتمام مهلت ثبت نام، کمیسیون انتخابات، ده نامزد سرشناس انتخابات ریاست جمهوری را فاقد صلاحیت اعلام کرد، از جمله، سه کاندید سرشناس که شانس پیروزی بیشتری داشتند: رییس پیشین سازمان اطلاعات مصر و دو نامزد گروههای سلفی و اخوان المسلمین.

"عمر سلیمان" که رییس سازمان اطلاعات مصر در رژیم مبارک بود، بنا به تصویب طرحی در پارلمان مصر مبنی بر ممنوعیت نامزدی مقامهای ارشد رژیم پیشین برای مناصب جدید، فاقد صلاحیت به حساب آورده شد. "حازم صلاح ابواسماعیل" نیز که نامزد سلفیها بود، به علت تابعیت آمریکایی مادرش حذف گردید. همچنین "خیرت شاطر"، نامزد نخست "اخوان المسلمین" که در ماه مارس سال ۲۰۱۱ میلادی از زندان آزاد شده بود نیز به اتکا به قوانین مصر که می بایست حداقل شش سال از زمان آزادی زندانیان سابق برای نامزدی در انتخابات گذشته باشد، فاقد صلاحیت شناخته شد.

نظرسنجیها در مصر از شانس قابل توجه رییس سابق سازمان اطلاعات مصر خبر می داد. "عمر سلیمان" گزینه محبوب "شورای نظامی مصر" است که زمام امور را از هنگام فروپاشی رژیم "مبارک" در ماه فوریه سال گذشته در دست داشت. با این حال، "شورای نظامی مصر" ادعا می کرد، نامزدی برای ریاست جمهوری معرفی نکرده است.

از سوی دیگر، یک روز پیش از حذف کاندیدها، گروههای اسلام گرا در "میدان تحریر" دست به تظاهرات گسترده ای علیه شرکت مقامهای پیشین در رژیم "مبارک" در انتخابات ریاست جمهوری زدند. باید توجه داشت که نامزد ریاست جمهوری "اخوان المسلمین" نیز که اکنون قدرت غالب در پارلمان این کشور را دارد، چشم انداز خوبی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری داشت. بنابراین اگر قرار بود "سلیمان" به خاطر اعتراضات اسلام گرایان حذف شود، نفر بعدی که شانس پیروزی می داشت، کاندید "اخوان المسلمین" بود. از همین رو می شود این گونه جمع بندی کرد که حذف کاندیدهای شاخص از هر سه گروه اقدامی بود کاملاً سیاسی و همزمان حساس.

با این حال، "فاروق سلطان"، رییس کمیسیون انتخابات مصر اعلام کرد که نامزدهای رد صلاحیت شده می توانند ظرف ۴۸ ساعت اعتراضات خود را به نتایج اعلام شده به کمیسیون انتخابات ارسال کنند.

در باره این تحولات، صاحب نظران مصری نظرات گوناگونی دارند. "جورج ایشاق"، یک فعال سرشناس مصری در مصاحبه ای با روزنامه المصری "الیوم" گفت، "عمر سلیمان" کاندید ارتش است و ارتش هرچه از دستش برآید انجام می دهد تا او ریاست جمهوری را به دست بگیرد. به همین گونه "عمر علی حسن"، یک روزنامه نگار و محقق سیاسی معتقد است، ارتش "سلیمان" را پشتیبانی و تقویت خواهد کرد تا از پیروزی "خیرت شاطر"، کاندید "اخوان المسلمین" جلوگیری کند. وی همچنین گفت که اگر "سلیمان" پیروز شود، رژیم "مبارک" را باز تولید خواهد کرد.

در همین زمینه، "امرهاشم رابی"، یک فرد آگاه در "مرکز اهرام برای مطالعات استراتژیکی و سیاسی" می گوید: "این اقدامی برای سقط جنین انقلاب است تا فساد در رژیم گذشته پیگیری نشود."

"سلیمان" که حمایت ارتش از خود را تکذیب کرده بود، در فاصله یک روز توانسته بود ۷۲ هزار امضا جمع آوری کند. این تعداد بیش از دو برابر تعداد امضای لازم برای کاندید شدن بود، اما کمیسیون انتخابات هویت بسیاری از امضا کنندگان را نامشخص اعلام کرد. از این رو شگفت آور نیست که "سلیمان" و رقیب سرسخت او هر دو از دور خارج شوند.

در نماز جمعه روز پیش از حذف نامزدهای سرشناس، این تنها اسلام گرایان بودند که دست به اعتراض زده بودند. "میدان تحریر" که سال گذشته جنبشی همگانی و متحد، به ویژه جوانان را در برداشت، اکنون تنها شاهد تجمع هواداران "اخوان المسلمین" شده که علیه کاندیداتوری "سلیمان" تجمع می کردند. دیگر نیروها این تجمع را تحریم کرده بودند و این نشانه ای از دره عمیق بین مبارزان و فرصت طلبان می تواند باشد.

در نخستین سال انقلاب مصر، بازار تبادل عقاید و دیدگاهها داغ بود، اما اگر چه رویدادهای بعدی عده ای را سرخورده و مایوس کرد، با این حال مصر به جامعه ای غنی از ایده ها، تفکرات و تبادل نظرها تبدیل شد. اکنون برخی معتقدند همین دسته بندیهای نظری، اهداف و خواسته هایی را بیان می کند که تنها در حرف امکان عملی شدن دارند و جایی در واقعیت ندارند. منتقدان می گویند، جوانان انقلابی با پرنسیپها و ایده ها به شکل موضوعاتی جامد برخورد می کنند که با واقعیتها

همخوانی ندارد. از طرف دیگر، اسلام گرایان نیز از واقعیت به دور هستند. هم "اخوان المسلمین" که بیشتر با جامعه مصر آشنایی دارد و هم "سلفیها" که تفکراتی نا آشنا با جامعه دارند و حرفهایشان اغلب مردم را به هراس می اندازد، هر دو برنامه هایی جدا از انقلاب و نیروهای سکولار دارند.

"عزمی آشور"، سردبیر فصلنامه "الدمکراتیا"، در مطلبی که روزنامه "الاهرام" هم آن را منتشر کرده، در این باره نوشته است: "حرف اول و آخر اسلام گرایان این است: "کسانی که با ما هستند بهشتی و هر کس با ما نیست، جهنمی است." بدون کوچکترین شک، با همین روش بود که آنها بسیاری را حامی خود کردند و با همین ادعا هم می خواهند موسسات کلیدی کشور را در دست بگیرند. این انحراف بزرگی از اهداف اصلی انقلاب که هرگز مایل به تمرکز قدرت در دست یک نیرو نبود، است."

بر پایه استدلالهایی مشابه است که بسیاری از فعالان جنبش معتقدند "محمد بادی"، رهبر "اخوان المسلمین" به اهداف و آرمانهای انقلاب خیانت کرده است. آنها همچنین می گویند، انتخابات مهم نیست و هیچ معنایی ندارد. ۶۰ سال است که در مصر حکومتی که تحت اختیار ارتش بوده، انواع و اقسام انتخابات و فراندوم برپا کرده اما حاکمان هر بار به بهانه های مختلف به نتایج آن ترتیب اثر ندادند و موقعیت خودشان را زیر عنوان "امنیت ملی" و قوانینی که خواسته ها و نظرات جامعه در آن دخالت نداشته، حفظ کردند.

نیروهای سکولار از این در هراسند که "امنیت ملی" با "قانون خدا" و یا "حقانیت به خاطر برنده انتخابات شدن" جابجا شود.

با در نظر گرفتن این امر که قانون اساسی مصر بر پایه مذهب تدوین نشده و برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی اختیارات تام برای فردی با عنوان ولی فقیه قایل نیست، فعالان جنبش مصر، اختیارات پارلمان و رییس جمهور را حتی اگر در دست اسلام گرایان باشد، بسیار محدود می دانند. نیروهای سکولار می گویند: "اخوان المسلمین" و "سلفیها" هر دو تاکید می کنند که قوانین اسلام را به مردم تحمیل نخواهند کرد و اجازه می دهند در خانه و یا هتلها مشروبات الکلی صرف کنند. ما می گوئیم شما چه کسی هستید و چه حقی دارید که قوانین اسلامی را به ما تحمیل کنید یا نکنید؟ مگر هر کس دولت و مجلس را در دست داشته باشد، باید خواست خود را تحمیل کند؟ پس قانون اساسی برای چیست؟"

آنها بارها هشدار داده اند که چنانچه اسلام گراها بخواهند اهداف خود را با دور زدن قانون اساسی و بی توجهی به پیشینه فرهنگی مردم مصر و با ثروتی که متعلق به جامعه مصر است پیش ببرند، سقوط حتمی خود را پایه گذاری کرده اند. "عزیمی آشور" در بخش از تحلیل یاد شده خود در "الدمکراتیا" می گوید: "اسلام گرایان حتی اگر مجلس را قبضه کنند و رییس جمهور هم از آنان باشد، نه تنها باید از مکانیسمهای دمکراتیک پیروی کنند، بلکه باید به روح دمکراسی خواهی که باعث شد آنان قدرت را تصاحب کنند، گردن بگذارند. آنها باید عدالت را در تمامی بنیادهای سیاسی رعایت کرده و پیش ببرند. در چنین شرایطی است که هرگز رییس جمهوری نخواهیم داشت که بتواند دیکتاتور باشد. هر رییس جمهوری از "سلفی" گرفته تا "اخوان المسلمین" باید متعهد به قانون اساسی و اعمال قانون باشد. رییس جمهور باید نشان دهد که متعلق به همه مصریها است و در خدمت همه مردم مصر و کشور مصر است و به آنها حساب پس بدهد. اولین گام برای این اقدام، آزادی کامل مطبوعات است."

وی ادامه می دهد: "جامعه نباید از این که رییس جمهور چه ایدئولوژی، مذهبی دارد یا ندارد، بهراسد. زیرا او با رای دمکراتیک مردم به قدرت رسیده است و از این رو باید با جان و دل به اصول پایه ای و پرنسیبهای حاکم بر روابط بین افراد و دولت و همچنین روابط اعضای جامعه با هم احترام بگذارد و بدانها عمل کند. اینها پرنسیبهای انسانی هستند که باید صرف نظر از دین، ملیت و در فضایی که پذیرفتن دیگران و دگر اندیشان رعایت شود، راهنمای عمل قرار گیرد. اگر این به واقعیت بپیوندد، ما نه از "سلفی" و نه از "اخوان المسلمین" ضرر نمی بینیم. این امر محک پیروزی انقلابمان است. در این صورت فاصله بین اسلام گراها و دیگر نیروها نیز کمتر خواهد شد."

شواهد اما به واقعیت پیوستن این آرزو را زیر سوال برده است.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.co

ورشکستگی اقتصادی نتیجه پادویی نو-لیبرالیسم

جعفر پویه

اقتصاد کشور تحت حاکمیت رژیم آخوندی نه تنها دچار یک بحران ساختاری است، بلکه در نتیجه عدم توجه درست به این بحران و فرو رفتن در گرداب قطع سوبسید کالاهای اساسی طبق توصیه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، روز به روز ورشکستگی آن عمیق تر می شود.

درگیری باندهای در قدرت بر سر تقسیم موقعیتهای سیاسی و پیرو آن دسترسی به امکانات اقتصادی و به زبان دیگر سهم بردن از غارت ثروت ملی مردم، آن چنان بلبشویی در اقتصاد براه انداخته که هیچ اقتصاددانی قادر به تبیین این وضعیت نیست. هرچند بسیاری موقعیت کنونی را رکود تورمی برآورد کرده و سرازیر شدن دلارهای نفتی به چرخه پولی کشور را سم مهلکی برای آن می دانند، اما رژیم و رهبری آن از یک سو و دولت دزد و گردنه گیر احمدی نژاد از سوی دیگر، بدون توجه به عواقب زیانبار این عمل، همچنان میانمداری کرده و تاخت و تاز می کنند.

بحران پولی کشور و دلالی دولت با ارز حاصل از فروش نفت و سرازیر کردن آن به چرخه پولی، حجم عظیمی از نقدینگی به وجود آورده که نه تنها سرگردان است، بلکه محلی برای سکون خود نمی یابد. بخش اعظم این پولهای سرگردان از کانالهای دولتی و توسط واسطه هایی که از وابستگان پایوران رژیم هستند، وارد چرخه پولی کشور می شود. فروش و دلالی ارز از یک سو و جولان سکه و طلای دولتی از سوی دیگر، خزانه کشور را تبدیل به پول نقد کرده و به جیب عده ای اوباش سرگردنه سرازیر می کند. این پولها در داخل کشور نه جایی برای سرمایه گذاری دارد و نه دارندگان اش تلاش می کنند با آن چرخ اقتصاد کشور را به گردش درآورند. تنها چیزی که اینان بدان فکر می کنند، سود کوتاه مدت و زیاد است و برای این هدف چه جایی بهتر از بازار ارز و طلا که دولت با حباب سازی سعی می کند آن را به بالاترین حد ممکن بالا ببرد، تا واسطه های خودی بتوانند از آب گل آلود ماهی بگیرند. اما آنانی که باد می کارند، طبیعی است که توفان درو خواهند کرد. بازار مغشوش بهم ریخته پولی هرچند با چند شوک متلاطم شده و بهم خواهد ریخت، اما بازگرداندن آن به حالت اول و وادار به سکون کردنش کاری نیست که از دست عده ای سوداگر، قاچاقچی یا دزد و غارتگر برآید. به همین دلیل دولت ناتوان از کنترل این بازار با سیل مهلکی روبرو می شود که با آرزوی باران او همخوان نبوده و اقتصاد کشور را به حالت احتضار درآورده است.

بررسی داده های آماری مراکز مختلف حکومتی می تواند گواهی باشد بر این وضعیت به شدت اسفبار، که کمر بسیاری از کارگران و مزدبگیران را شکسته و بسیاری از خانوارهای ناتوان از معاش روزانه را به روز سیاه نشانده است. دولت دروغگو و دست اندرکاران بی وجدان آن آمارهای دروغ و دستکاری شده می دهند و سعی می کنند با هیاهو و جنجال، تورم را اندک و بیکاری و درآمد مردم را معقول جلوه بدهند. تولید کارخانجات را با عدد سازی جابجا می کنند و درآمدهای دولت را با توجه به مالیاتها و صادرات غیر نفتی دروغین بالا می برند تا شاید کسانی قبول کنند که اوضاع آنچنانی که می گویند وخیم هم نیست. اما وقتی کالاهای اساسی مردم روز به روز گران تر می شود و قیمتها سیر صعودی به خود گرفته، وقتی دستمزد یک نفر حتا کفاف کرایه خانه او را نمی دهد و کلیه درآمد یک ماهه یک خانوار از هزینه چند کیلو گوشت تجاوز نمی کند، چگونه می تواند باور کرد که چرخ اقتصادی کشور به روال عادی می چرخد؟ نگاهی به آمارها و ارقامهای منتشر شده و کشاکش مقامهای مختلف با یکدیگر و نظر کارشناسان می تواند به درک این وضعیت مغشوش کمک کند.

بیکاری

نتیجه یک بررسی آماری توسط منابع رژیم در مورد سال ۱۳۸۹ می گوید، ۲۲/۵ درصد خانوارهای ایرانی بدون هیچ فرد شاغلی بوده اند. همچنین ۵۵/۴ درصد خانوارها تنها یک فرد شاغل داشته اند. این درحالی است که دستمزد یک نفر کفاف حداقل مایحتاج یک خانوار را نمی دهد، چه برسد به این که حدود یک چهارم مردم کشور از داشتن شغل شرافتمندانه محروم بوده اند.

همین بررسی در مورد توزیع افراد شاغل می گوید، ۴/۱ درصد آنها در بخش "کشاورزی، دامپروری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری" و ۱۴/۲ درصد در بخش "ساختمان" و ۲۱/۵ درصد در بخش "عمده فروشی، خرده فروشی، هتلداری و رستوران"، ۱۸/۱ درصد در بخش "صنعت و معدن" و ۲۱/۹ درصد در بخش "خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی" شاغل بوده اند.

توزیع مشاغل این بررسی گویای یک واقعیت دیگر نیز هست و آن این که بیشتر افراد شاغل بی سواد یا با تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در بخش "عمده فروشی، خرده فروشی، هتلداری و رستوران" و بیشترین افراد قادر به خواندن و نوشتن در بخش "ساختمان" اشتغال دارند.

فاجعه دیگر این جاست، در کشوری کشاورزی که رژیم دایم کوس خودکفایی در این بخش را می زند و لاف و گزاف آن گوش فلک را کر کرده است، چیزی کمتر از ۴ درصد شاغلان کشور به کشاورزی اشتغال دارند. این درحالی است که شهرهای بزرگ روز به روز بزرگتر می شوند و کشاورزان و کسانی که روی زمین کار می کنند، به شهرها مهاجرت کرده و روستاها روز به روز خالی تر می شود. اما در عوض دولت هر روز حجم واردات کشاورزی را بیشتر می کند تا جایی که به دلیل واردات بیش از اندازه مرکبات در ماههای پایانی سال گذشته، محصولات کشاورزان ایرانی در انبارها مانده و فاسد گردید، زیرا توان رقابت با کالاهای بنجل و ارزان قیمت وارداتی را نداشت. بیهوده نیست که شاغلان بخش خرده فروشی و عمده فروشی، بالاترین آمار را دارند. رها سازی روستا و روانه شهر شدن و دست فروشی و دوره گردی و تامین معاش به هر شکل ممکن کاری است که روستاییان شهرنشین به آن می پردازند.

به غیر از این، وضعیت بخش صنعت نیز دست کمی از بخش کشاورزی ندارد. طرح هدفمند کردن یارانه ها یا همان قطع سوبسید کالاهای اساسی به خصوص در بخش انرژی، کمر صنعت کشور را شکسته و کارخانه و کارگاههای بسیاری را به ورشکستگی و تعطیلی کشانده است. در این رابطه حسن مصیب زاده، مدیر عامل فولاد البرز به خبرگزاری ایلنا می گوید: "طی سال گذشته و به تبع اجرای قانون هدفمندی یارانهها و نبود حمایتهای واقعی، کمر بسیاری از صنایع فولادی شکست."

او توضیح می دهد که قبل از اجرای این طرح، در صورتی که قبض گاز یا برق یک واحد تولیدی عقب می افتاد، آنها می توانستند با مذاکره با شرکت مربوطه برای تسویه حساب مهلت بگیرند. اما بعد از طرح هدفمندی یارانه ها و افزایش شدید قیمت برق و گاز، نه تنها با مهلت دهی به کارخانه ها موافقت نمی شود، بلکه جریمه نیز شامل حال آنان می گردد و این گونه بسیاری از کارخانه و کارگاهها ورشکست و تعدادی با کسر تولید مواجه شده اند. مصیب زاده گفت: "در شرایط کنونی اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانهها منجر به آن می شود که بخشی از کارخانجات صنعتی به طور کامل تعطیل شده و تعداد زیادی از کارگران بیکار شوند."

هرچند هنوز فاز دوم این طرح شروع نشده اما با آغاز سال جدید بسیاری از کارگران با درهای بسته کارخانه ها روبرو شده و بدون هیچ توضیحی کار خود را از دست داده اند. اعتراضات کارگری، تجمعهای روزانه و تحصن و اعتصابهای پی در پی نشانگر تلاش کارگران برای بلند کردن صدای اعتراض خود به این وضعیت است. اما به ظاهر صدای این اعتراضات به گوش کسی نمی رسد و فریاد رسی وجود ندارد. دولت همچنان به راه خود می رود و جیب واسطه ها و دلالان بنجلهای وارداتی را پر می کند.

گرانی

در حالی که بانک مرکزی نرخ تورم را چیزی حدود ۲۱ درصد اعلام کرده است. اما هیچکس چنین چیزی را باور نمی کند. افزایش چند برابری قیمتها و موج عظیم گرانی، وضعیت اسفباری را بر اقشار مزدبگیر تحمیل کرده است، اما بانک مرکزی خود را به نفهمی زده و با انتشار آمارهای دروغ آنچه در کوچه و برزن اتفاق می افتد را حاشا کرده و تبلیغات سوو دشمن قلمداد می کند. خبرگزاری حکومتی مهر در روز پنج شنبه ۲۴ فروردین خبر از افزایش قیمت مرغ، روغن و برنج می دهد. این خبرگزاری می نویسد، قیمت مرغ از کیلویی ۲۷۰۰ تومان به ۳۷۰۰ تومان و در برخی مناطق به ۵۰۰۰ تومان نیز رسیده است. همچنین قیمت برنج در شهرهای شمالی کشور به ۴ هزار تومان و در تهران به ۴۵۰۰ تومان افزایش یافته. این درحالی است که یک مقام وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد که روغن با مجوز دولت، ۱۵ تا ۲۰ درصد گران شده است. از سوی دیگر، یکی از اعضا مجلس آخوندها، مهرداد بائوج لاهوتی، عضو کمیسیون عمران مجلس می گوید، امسال اجاره بهای مسکن افزایش ۲۰ تا ۴۰ درصدی خواهد داشت. این درحالی است که در فاصله زمانی فروردین ۹۰ تا

۹۱ تنها گوشت گوسفند حدود ۴۵ درصد گران شده است. در همین سال ماست پاستوریزه بیش از ۴۰ درصد، پنیر پاستوریزه بیش از ۵۲ درصد، خیار و گوجه فرنگی صد درصد گران شده است. گوشت گوساله در همین بازه زمانی با رشد ۵۰ درصدی به ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان در هر کیلو رسیده است. سایت "خبر آنلاین" که این آمار منتشر کرده است، آن را با نرخ تورم ۲۱/۵ درصدی دولت مقایسه و آمار ادعایی بانک مرکزی را غیر واقعی می داند. حال به چه دلیل بانک مرکزی اینگونه بی مهلبا دروغ می گوید و گرانی کمر شکن را حاشا می کند، باید به ماهیت رژیم ولایت فقیه بازگشت و صداقت رهبران و پایوران آن که شرم را خورده اند و حیا را قی کرده اند. زیرا در یک مقایسه ساده بین قیمت کالاهای اساسی با حداقل قرار دادن آنها می توان نتیجه گرفت که هزینه هر خانوار بیش از ۳۵ درصد رشد داشته، در حالی که بانک مرکزی آن را ۲۱ درصد می داند. و این گونه هیچ کس مسوولیت فشار اقتصادی کمر شکن بر مردم را نمی پذیرد.

آمارهای بالا را با حرفهای سلطانی، مدیرعامل اتحادیه سراسری دامداران کشور که افزایش ۶ تا ۷ درصدی قیمت گوشت قرمز از شب عید تا اکنون را خبر می دهد، مقایسه کنید. سلطانی می گوید: "قیمت گوشت گوسفند نباید از هر کیلو ۱۸ هزار تومان و گوشت گوساله از هر کیلو ۱۴ هزار تومان بیشتر باشد. متاسفانه قیمت گوشت گوسفند در شمال شهر به ۲۵ هزار تومان رسیده است."

او علت این گرانی را عدم نظارت دولت بر افزایش قیمتها اعلام می کند. چیزی که سلطانی نمی گوید این است که دولت خود یکی از مسببان این گرانی است. انحصاری بودن واردات مواد گوشتی و واگذاری آن به نزدیکان به پایوران رژیم، دست آنها را برای قیمت گذاری باز می گذارد و این میانه آن چه که مهم نیست، معاش مردمی است که در زیر نگاه آنان قیمتها سیر صعودی گرفته و رفته رفته از دسترس مزدبگیران خارج می شود.

حال اگر با نگاه به همه این اتفاقات، حداقل دستمزد، خط فقر و خط فلاکت را نظر بگیریم، خواهیم دانست که بسیاری از مردم نه تنها زیر خط فقر بلکه، در زیر خط فلاکت زندگی می کنند. قیمتها روز به روز بالا می رود، بانک مرکزی نرخ تورم را بیش از ۲۱ درصد می داند و افزایش دستمزد و حقوق در بودجه دولت ۱۵ درصد در نظر گرفته شده و در کمیسیون تلفیق تصویب شده است. به زبان ساده، دولت و رژیم آخوندهای دزد و غارتگر به همان آمارهای دروغ خود نیز پایبند نبوده و میزان افزایش دستمزد و حقوق چیزی کمتر از ۷ درصد از نرخ تورم بانک مرکزی است. این که چه کسی پاسخگوی این وضعیت و گسترش فقر و فلاکت در بین مردم است، مشخص نیست. زیرا کسی مسوولیت وضعیت موجود را نمی پذیرد تا پاسخگوی آن باشد.

غارت و چپاول

اگر بعضی از اشخاص نزدیک به پایوران رژیم در تبنانی با بالاترین مقامها دست به چپاول بانکها زده و با دریافت وامهای میلیاردی حاضر به باز پرداخت آن نیستند، تاوان آن را باید مردمی بپردازند که حتا قادر به شمارش صفرهای جلو اعداد بدهی این اشخاص نیستند. احمدی نژاد به گونه دستوری نرخ بهره بانکی را پایین می آورد. نزدیکان و نوری چشمیها با مراجعه به بانکها، وامهای کلان با بهره اندک دریافت می کنند. این مبالغ کلان وارد چرخه پولی کشور شده و به دلالتی می پردازد. ابتدایی ترین کار این افراد بالا بردن حجم نقدینگی و تبدیل پول بانکها به سرمایه های سرگردان است؛ عملی که اثبات ترین اقتصادهای سرمایه داری را می تواند با عدم توازن روبرو کرده و کنترل بازار را از دست مسوولان مربوطه خارج کند. گرانی حاصل از این وضعیت نه به اقشار مرفه بلکه، به کم درآمدترین اقشار جامعه فشار می آورد و سفره آنان را روز بروز تهی تر می کند. بانکها با این عمل نورچشمیها، پوسته ای از واقعیت هستند و در عمل ورشکستگی هستند که دارایی خود را توسط عده ای اوباش به سرقت برده می بینند. اما این بانکها که گاه بیش از دارایی خود وام پرداخت کرده اند، همچنان پا برجایند و کسی از آنها دلایل حضورشان را نمی پرسد.

از سوی دیگر، دولت به دلیل کسر بودجه و کمبود پول برای پرداخت هزینه های جاری از یک طرف و تبنانی با عده ای مشخص دست به عملی می زند که برای هیچ کسی قابل باور نیست. در آخرین روزهای سال ۹۰ دولت با مصوبه ای بانک مرکزی را وادار به فروش ۵۳ میلیارد دلار به ریال به نرخ روز ارز می کند. یعنی، دولتی که باید ارز را به نرخ رسمی و مرجع که ۱۲۲۶ تومان است بفروشد، بانک مرکزی را وادار می کند تا آن را به نرخ ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ تومان بفروشد. با این حساب ۵۳ میلیارد ارز وارد بازار می شود که با نرخ شناور بین ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ تومان توسط دولت فروش رفته است. این عمل غیر قانونی، دولت را صاحب ۳۵ هزار میلیارد تومان پول باد آورده می کند که در هیچ کجای بودجه یا بانک مرکزی ردیف یا محلی برای آن وجود ندارد. از طرف دیگر، مشکل کار اینجاست که دولت موظف است دلارهای نفتی را به نرخی

که در بودجه همان سال محاسبه شده، به فروش برساند. یعنی، دولت می بایست ۵۴ میلیارد دلار فوق را به قیمت ۱۰۵۰ تومان می فروخت. در حالی که نرخ مرجع بانک مرکزی از یک سو و نرخ بازار آزاد به دلیل وضعیت اسفبار پیش آمده به ۱۹۰۰ تومان رسیده، دولت از این وضعیت استفاده می کند و دلارها را سرازیر بازار می نماید.

ممکن است این موضوع از سوی کسانی این گونه توجیه شود که دولت با این کار حجمی از نقدینگیهای بازار را جمع آوری کرده و آنها را به بانک مرکزی باز می گرداند. اما واقعیت این است که بخش زیادی از این پولها صرف واردات شده و با آنها بنجل کارخانه های خارجی وارد کشور می شود. یعنی، کالای وارداتی که بیشتر کالاهای ضروری مردم هستند، با همان نرخ ۱۹۰۰ تومان محاسبه و روانه بازار می گردد. طبق برآوردهای انجام گرفته، بیشترین کالاهای وارداتی در سال ۹۰ با قیمت ارز آزاد محاسبه و به مردم فروخته شده است. اینجاست که مصرف کنندگان که کسانی نیستند به جز مردم مزدبگیر و اقشار کم درآمد، باید تاوان بی شرمی هیات دولت و مصوبه آن را بپردازند و جیب نورچشمیهای دزد و غارتگر را پر نمایند.

محمد حسین ادیب، اقتصاددان و استاد دانشگاه اصفهان در گفتگو با خبرگزاری حکومتی "فارس" سود کلاهبرداری فوق را بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان دانسته و می گوید: "در واقع کمتر از ۵۰ نفر با کسب ثروت ۲۰ هزار میلیارد تومانی برای افزایش بیشتر آن به ایجاد حبابهای قیمتی اقدام کرده اند."

این اشاره مختصر گواهی می دهد که اشخاص مشخصی این پولها را به جیب زده اند و با آن دلالی می کنند. بلایی که آنان در همدستی با چپاولگران بانکها بر سر اقتصاد کشور آورده اند، تاوانش بیماری مزمنی است که بیکاری و گرانی را برای مردم به ارمغان می آورد. ادیب در مورد دزدی بالا همچنین گفت: "کسب ۲۰ هزار میلیارد تومان سود طی ۸ ماه و سپس تلاش برای افزایش مجدد آن، برای اولین بار در تاریخ ایران است که رخ می دهد."

به زبان دیگر، نه تنها بزرگترین اختلاس بانکی در این سال اتفاق افتاد، بلکه دریافت وامهای کلان بی حساب و کتاب و عدم بازپرداخت آن به سیستم بانکی و دزدی بیش از ۲۰ میلیارد دلار پول مردم از جمله اقلامی است که در تاریخ کشور بی سابقه بوده اند.

خبر دیگر دزدی و چپاول از این دست این که طبق محاسبات انجام شده و بررسی آماری بانک مرکزی مشخص می شود که در ۹ ماهه اول سال ۹۰، دولت حدود ۶۴ میلیارد دلار برای واردات کالا، دلار فروخته است اما واردات به کشور چیزی در حدود ۴۴ میلیارد دلار است. با این حساب ۲۰ میلیارد دلار در این میان مفقود شده و صرف واردات نشده است.

ورشکستگی

اما این همه ماجرا نیست، زیرا نتیجه و حاصل وضعیت فوق ورشکستگی و نابودی بخشی از اقشار میانی است؛ کسانی که در زیر بار شوکها و امواج اقتصادی له می شوند و امکان ادامه حیات برایشان در چنین وضعیتی وجود ندارد. روزنامه "ابتکار" به نقل از گزارش بانک مرکزی می نویسد، "طی ۸ ماهه نخست سال ۹۰ بالغ بر ۳۳ هزار میلیارد تومان چک برگشت خورده است". این عدد و رقم افشا کننده یک وضعیت به غایت خطرناک است. هر چند اتفاق مزبور ریسک بالای سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی در کشور را نشان می دهد، اما اعلام می کند که کمبود نقدینگی در نزد بسیاری از بنگاههای اقتصادی باعث برگشت خوردن چکها شده است. این درحالی است که اعداد و ارقام بالاتر حکایت از حجم عظیم نقدینگی در کشور دارد. اگر حجم نقدینگی بالاست، پس چرا رقم چکهای برگشتی بیش از ۲۲ هزار میلیارد تومان است؟ پاسخ به این پرسش است که می تواند تصویری واقعی از وضعیت اقتصاد کشور ارائه کند. این اتفاق اعلام می کند که هر چند نقدینگی در کشور بالاست، اما این نقدینگی در نزد بنگاههای اقتصادی کوچک و یا فعالان خرده پای اقتصادی و اکثریت تولید کنندگان نیست. این نقدینگی در کیسه افراد مشخصی انباشت شده که با زد و بند و موج سازی، نبض بازار را کنترل می کنند و سودهای آنچنانی به جیب می زنند؛ سودی که حاصل آن، برگشت خوردن ۲۲ هزار میلیارد چک در سیستم بانکی است. به همین دلیل بانک مرکزی بعد از ۱۱ ماه سکوت در مورد برگشت خوردن اسناد پایاپای کشور، بالاخره آمار ۸ ماهه اول سال ۹۰ را منتشر می کند. ترس بانک مرکزی از رشد بالای چکهای برگشتی، گوشزد کردن ریسک سرمایه گذاری است که گاه نسبت به سال قبل به ۲۶ درصد نیز رسیده است. همچنین ارقام فوق تولد سرمایه داری مالی را در کشور بیان می کند؛ سرمایه ای که انگلی است و تنها در اقتصاد کازینویی و زد و بندهای بورس و سفته بازی و احتکار و نزول خواری می تواند امکان زیست بیابد.

بی عاقبت

در چنین حالتی که اقتصاد کشور به احتضار افتاده و بیکاری و گرانی بیداد می کند، ملتی که روی دریای نفت زندگی می کند، انتظار دارد تا دولت فکری به حال آن بکند. اما دولتی که علم و کتل سرمایه داری نو-لیبرال را به دوش می کشد، چشم خود را به روی واقعیتها بسته و به امید پذیرفته شدن در سازمان تجارت جهانی، همه تلاش اش را برای اجرایی کردن "طرح هدفمندی یارانه ها" به کار می گیرد. قطع سوبسید کالاهای اساسی بزرگترین خیانتی است که رژیم و دولت احمدی نژاد در وضعیت کنونی می تواند به ملت بکند. در حالت بیکاری و وضعیت اقتصادی موجود، پرداخت سوبسید بیشتر و در دسترس قرار دادن کالاهای ضروری مردم با قیمت مناسب، تنها راهکار درست است. اما دولت پادوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، بیشرمانه تصمیم دارد تا همه سوبسیدها را قطع کند. در چنین وضعیتی قیمت کالاهای ضروری به ویژه انرژی، سر به فلک خواهد زد. عدم توجه به صنعت و تولید داخلی بیکاری هر بیشتر را نوید می دهد. بازار کالاهای بنجل شدن کشور و پایین آوردن تعرفه های بازرگانی و گمرک بیش از گذشته کمر تولید داخلی را خواهد شکست. ورشکستگی به امری عادی تبدیل خواهد شد و سرمایه داری مالی نوظهور اداره امور را به دست خواهد گرفت. با این همه اما احمدی نژاد وقیحانه ادعا می کند پرداخت بخشی از یارانه نقدی به مردم، صدقه دولت و حکومت به مردم است. او ادعا دارد با این پول بذل و بخشش می کند و جیب مردم را انباشته تر خواهد کرد. واقعیت اما این است که این پرداختهای نقدی نه تنها دردی را از مردم دوا نخواهد کرد، بلکه حجم نقدینگی را بالاتر خواهد برد و همراه آن قیمتها رو به بالا خواهد رفت. برای وضعیت اقتصادی موجود این پولها همچون سم مهلکی عمل می کند و تن رنجور آن را به احتضار خواهد انداخت.

وادار کردن پولهای موجود به سرمایه گذاری در بخش تولید، حمایت دولت از صنعت داخلی و تولید شغل و کار شرافتمندانه بسیار مهمتر از مبالغ نقدی بی ارزشی است که وضعیت مردم را روز به روز بدتر خواهد کرد. این تدبیری است که از دولت و رژیم ضد مردمی ولایت فقیه بر نمی آید. رژیمی که بر خلاف لاف و گزاف و هیاهو و عربده جویی، در عمل پادویی مراکز مالی و برنامه ریزی اقتصادی جهانی را پیشه خود کرده است.

مواد غذایی به عنوان یک کالا - قسمت اول

فرد مگدوف/مانتلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

مواد غذایی یکی از اساسی ترین احتیاجات انسان است. دسترسی روزمره به یک رژیم غذایی متعادل برای رشد و تقویت جوانان و سلامتی عمومی هر فرد در طول زندگی، ضروری است. اگرچه مواد غذایی معمولاً به وفور یافت می شود، اما سووتغذیه امری بسیار رایج است. تناقض بین وجود منابع غنی مواد غذایی در جهان و رواج سووتغذیه و گرسنگی ناشی از قرار گرفتن مواد غذایی در زمره کالا - دقیقاً مانند بقیه نیازهای انسان - است. هزاران سال پیش، اجداد انسان، صیاد و گردآورنده مواد غذایی بودند. بر اساس شواهد باستان شناسی و نمونه های کنونی، آنها به طور کلی یک رژیم غذایی متغیر داشتند که مواد کافی جهت سلامت و رشد شان را فراهم می ساخت. برای مثال، تحقیقات دهه ۶۰ تا ۷۰ از ساکنان مناطق آفریقای جنوبی نشان می دهد که اگرچه آنها از گوشت حیوانات شکار شده تغذیه می کردند، اما دو سوم مواد غذایی آنان را گیاهان و فندق (منبع ایجاد بیش از یک سوم کالری جذب شده) و ریشه و میوه های جنگلی مثل توت تشکیل می داده است. این رژیم غذایی تقریباً ۲۴۰۰ کالری در روز برای بدن آنها فراهم می کرده است. گروههای شکارچیان و گردآورندگان مواد غذایی، همه برابر و همگی در تهیه محصولات کشاورزی فعال بوده اند. اما از هفت تا ده هزار سال پیش، مازاد تولید مواد غذایی باعث پیشرفت شهرها و مدنیت در امتداد ظهور و حضور سران قبایل، کشاورزان، صنعتگران، روحانیان، شاهان، جنگجویان، کاتبان و دیگر کارگزاران می گردد.

پدیده تولید مازاد مواد غذایی به این معنا نبود که همه افراد به مواد غذایی برابر دسترسی داشته اند. مواد غذایی مورد استفاده قرار گرفته شده توسط شکارچیان کاهش پیدا کرد و بیشتر شکارچیان مجبور شدند تا برای جذب کالری به خوردن دانه جو مبادرت ورزند. به طوری که میزان قد کشاورزان نسبت به قبل، کاهش پیدا کرد.

این مساله با کاهش تدریجی قد کشاورزان در مقایسه با شکارچیان آشکار شده است. مازاد تولید مواد غذایی در چنین جوامع کشاورزی، در اساس توسط طبقاتی که تولید کننده غذا نبودند، مصرف می شد. بیشتر جوامع کشاورزی ماقبل سرمایه داری دارای مصرف کنندگانی بوده اند که به طبقات مولد تعلق نداشتند.

برخی امپراتوریهای باشکوه باستانی برای انتقال مواد غذایی از محل تولید به مکانهای دور، باج و خراج می گرفتند. به عنوان مثال، آفریقای شمالی انبار غله برای رُم باستان بود. تاریخ چین با ایجاد زیر ساختارهایی جهت انبار و تهیه مواد غذایی از مسافتهای دور از تولید آن، درگیر است. با این حال، مواد غذایی یا توسط کشاورزان و اجتماعات روستایی تولید و توسط خانواده های آنان مصرف می شد و یا توسط زمین داران بر پایه یک قیمت مناسب برداشت می شده است. بازار بر اساس داد و ستد ابتدایی پایاپای که مانع تبدیل مواد غذایی به کالا می شد، حرکت می کرد.

این مناسبات با پیدایش سیستم سرمایه داری و گسترش اقتصاد کالایی تغییر کرد. با به وجود آمدن امکان فروش کالا به قیمتی بالاتر از هزینه تولید آن، بستر عینی شکل گیری سیستم سرمایه داری، انباشت بی پایان سود و امکانات از طریق تولید کالا نیز فراهم شد. تولید به منظور فروش و کسب سود به جای تولید برای تامین نیاز انسان، مشخصه سیستم سرمایه داری می باشد که تحت قواعد آن، همه مبادلات کالا در بازار انجام می پذیرد. در مراحل اولیه سرمایه داری، زمانی که هنوز بیشتر افراد بر روی زمینهای زراعتی خود کار و زندگی می کردند، مواد غذایی به صورت محلی در مناطق روستایی تولید و مصرف می گردید و به عنوان کالا در نظر گرفته نمی شد. اما با عرضه مواد غذایی به شهرهای در حال صنعتی شدن توسط کشاورزانی که در حاشیه آنها زندگی می کردند این روند نیز دگرگون شد. ماهیت کالایی مواد غذایی با رشد و پیشرفت سیستم سرمایه داری و تسخیر جوامع بیشتر، رفته رفته بیش از پیش نهادینه و به صورت رسمی به ثبت رسید. امپراتوریها با توسل به ضرب و انتشار پول، دهقانان را از اجتماعات خود به روند اقتصاد پولی وارد ساختند. نیاز به کسب پول جهت پرداخت مالیات، پروسه ای را آغاز کرد که بخش عظیمی از مواد غذایی تولید شده را به کالا تبدیل نمود. در همین حال، فاز صنعتی شدن سیستم سرمایه داری سبب کاهش جمعیت کشاورز در اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن شد. مردم مجبور به ترک زمینهایشان در جستجوی کار در شهرها شده و به مراکز صنعتی در حال رشد نقل مکان کردند. بسیاری حتی از اروپا به آمریکای شمالی، استرالیا، نیوزیلند، آفریقای جنوبی و مناطق دیگر مهاجرت کردند. پیشرفت سیستم نقل و انتقال و کانالها و سیستم جاده ها، امکان انتقال مواد غذایی به مسافتهای دور و در مناطق پهناور را ساده تر کرد. پیشرفت نقل و انتقال از طریق دریا نیز به میزان زیادی منجر به کاهش هزینه تجارت جهانی مواد غذایی شد.

نزدیک به تمام ابزارهای مورد نیاز برای کشاورزی صنعتی و محصولات تولید شده بدون استثنا در بازار به عنوان کالا به فروش گذاشته شد. کشاورزان محصولات خود را به خریدارهایی که مواد خام برای تکمیل فرایند تولید به فروش می رساندند، می فروختند و یا خودشان قادر بودند مواد خام را کاملاً یا بخشی از آن را تولید کنند. سپس، محصولات برای نزدیک شدن به آخرین مرحله تکمیل تولید، جهت بسته بندی فرستاده می شد تا بعد به دست واسطه ها رسانده شود. واسطه ها نیز به عنوان عمده فروش، محصولات را به خرده فروشانی که مواد غذایی را برای خرید در بازار عرضه می کردند، می فروختند.

بنابراین، یک جدایی و فاصله عظیم بین کشاورزانی که مواد غذایی را در کشورهای ثروتمند تولید می کردند با خریدارانی که تولیدات آنان را مصرف می کردند، پدید آمد. این جدایی فقط از جنبه ارتباط مستقیم تولید کننده با مصرف کننده مشهود نبود، بلکه یک لایه از واسطه ها بین کشاورزان و سفره مردم نیز به وجود آمد. مکانیزه شدن کشاورزی باعث افزایش باروری تولید شد که از یکسو تعداد کشاورزان را کاهش داده و از دیگر سو، میزان زمینهای بزرگ کشاورزی را افزایش داد. نیروی کار در بخش کشاورزی با صنعتی شدن شیوه های دامداری و تولید محصولات، به صورت شگفت آوری رشد کرد و به شدت در دست شرکتهای اندکی متمرکز گردید؛ شرکتهایی که اکنون پروسه تولید و فروش ماشین آلات کشاورزی، کود، سم و بذر را تحت کنترل کامل خود در آورده بودند.

صنعتی شدن سیستم تولید و عرضه مواد غذایی با تمرکز همراه بود و پتانسیل انحصار را تقویت کرد. به عنوان مثال، شرکتهای گوشت با کشاورزان قرارداد می بستند تا حیواناتی از قبیل خوک و ماکیان را به طور انبوه، در مکانها و شرایط نامناسب پرورش دهند. در همین حال مسافت نقل و انتقال مواد غذایی نیز افزایش یافت، زیرا شرکتهای پیمانکاران شان را متعهد می ساختند تا در مکانی نزدیک به محلی که شرکتهای مایلند، کشتارگاه بسازند و محصولات شان را پرورش دهند. در حقیقت، رشد و پرورش بذر و دام تنها یک جنبه از کل سیستم غذایی است. کالایی شدن کل سیستم تولید مواد غذایی

از قبیل نیروی کار کشاورزی، خرید و فروش محموله های خام کشاورزی و عمده فروشی و خرده فروشی به معنای این بود که کالاهای گوناگونی تولید و به فروش می رسد. صنعت کشاورزی به بخشی از یک سیستم وسیع تجارت کشاورزی تبدیل شد که بسیاری از کشاورزان را به خرده فروشان شرکتهای بزرگ تبدیل کرد. این مساله به ویژه در آمریکا عینیت یافت. نیروی کار کشاورزی جزو آخرین بخشهای اقتصادی بود که در انحصار مالکان قرار گرفت. این موضوع سبب کاهش تعداد شرکتهایی شد که بذر و سم و کود تولید می کردند. در نظام سرمایه داری انحصاری همه شرکتهای قادر نیستند در رقابت موفق و به حیات خود ادامه دهند. یکی از تاکتیکهایی که اخیراً توسط شرکتهای کشاورزی برای ادامه حیات مورد استفاده قرار گرفته تولید بذرهای گوناگون با استفاده از علم تغییر ژنتیکی است. بدین ترتیب صنعت کشاورزی هر چه بیشتر در دست شرکتهای نادری متمرکز گردید. به طوری که اکنون ۴۰ درصد از کل تجارت بذر جهان تحت کنترل سه شرکت به نامهای "مونسانتو"، "دافونت" و "سینگلنتا" است.

در جهان هنوز بخش قابل توجهی از مواد غذایی در زمینهای زراعتی کوچک و جهت استفاده شخصی و بازارهای محلی، در آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا تولید می شود. از سوی دیگر، فرآورده های خوراکی در آمریکای شمالی، اروپای غربی و استرالیا و به تازگی برزیل، آرژانتین، پاراگوئه و بولیوی عموماً در زمینهای بزرگ با ماشین آلات صنعتی برای مصرف ملی و فراملی تولید می شود.

شواهد فراوانی مبنی بر ماهیت کالایی روند تولید تا مصرف مواد غذایی در سیستم سرمایه داری وجود دارد. نزدیک به تمام فعالیتهای در سیستم اقتصاد سرمایه داری بخاطر تولید کالاهایی انجام می شود که به فروش می رسد، خواه کالاهایی که نیاز انسان را برآورده می کند، مانند مواد غذایی و امکانات بهداشتی و خواه کالاهای شیک و مجلل مثل یک خانه بسیار بزرگ یا یک هواپیمای جت شخصی. فرآورده های طبیعی جهان شامل آب و کوچکترین پدیده های مربوط به حیات انسان به جای قرار گرفتن در خدمت رفع نیازهای انسان هر چه بیشتر در راستای کسب و انباشت سود، تحت کنترل بخش خصوصی قرار گرفته و می گیرد. زمانی که همه نیازهای اساسی انسان به عنوان کالا تولید و به فروش می رسد، یک تضاد بحرانی به وجود می آید، خواه نیازی پایه ای مانند مواد غذایی، آب آشامیدنی، سرویسهای بهداشتی و یا حتی پناهگاه باشد.

سیستم سرمایه داری به طور ذاتی قشرها و طبقات اجتماعی که شامل طبقه متوسط، طبقه کارگر، محرومان، بیکاران (کارگرانی که برای سرمایه داری صرف دارد تا بیکار باشند) و گروه کوچکی متشکل از افراد بسیار ثروتمند را به وجود می آورد. حیلۀ جنگی که سرمایه داری از آن استفاده می کند، ایجاد گروهی است که مارکس آن را "نیروی ذخیره کار" نامید. گروه مزبور برای بقای سرمایه داری نقشی اساسی بازی می کند. سیستم سرمایه داری در زمان پیشرفت و رونق اقتصادی از نیروی ذخیره کار استفاده می کند تا همچنان دستمزد کارگران را پایین نگاه دارد، زیرا کارگران به این مساله آگاهند که به سرعت اخراج و کارگری دیگری به جای آنها استخدام خواهد شد. حتی در کشورهای ثروتمند مانند آمریکا، افراد بیکار فراوان و کارورزانی که دستمزد پایینی دریافت می کنند، وجود دارند که از عهده پرداخت هزینه مایحتاج خود، از جمله کرایه خانه، برق، حمل و نقل (با توجه به کمبود امکان حمل و نقل همگانی، اتومبیل شخصی داشتن از اهمیت بسزایی برخوردار است)، پوشاک، امکانات بهداشتی و مواد غذایی بر نمی آیند. فقر در کشور آمریکا به معنای فقر مطلق نیست. برخی محرومان قادرند از یک وعده غذایی چشم پوشی کنند، مواد غذایی با کیفیت پایین تر و ارزان تری خریداری کنند یا از خدمات انجمنهای خیریه و یا دولتی مثل کوپن غذا و برنامه های خدماتی و حمایتی استفاده کنند. در تابستان سال ۲۰۱۱، بیش از ۴۶ میلیون نفر از برنامه های حمایتی تغذیه ای دولتی استفاده کرده اند که البته میزان برنامه های حمایتی نیز کفاف همه نیازمندان را نمی داد.

البته در برخی از بخشهای جنوبی جهان، وضعیت بسیار نامساعدتر است. رسمیت یافتن مواد غذایی به عنوان کالا، قیمت مواد غذایی را از میزان درآمد بسیاری از افراد بالاتر برده و موجبات عدم تغذیه کافی برای آنها را فراهم ساخته است. بر اساس تخمین سازمان ملل، نزدیک به یک میلیارد انسان در جهان از سوو تغذیه شدید رنج می برند. این مساله به بروز مشکلات سلامتی و مرگ میلیونها انسان می انجامد. محرومیت غذایی به عنوان معضلی که به سرعت باعث سووتغذیه شدید می شود، هنوز یک موضوع جدی در جهان بشمار می آید. بدین ترتیب، بی عدالتی پیرامون افزایش بهای مواد غذایی و نابرابری در دسترسی به آن، یکی از اصلی ترین فاکتورهای قیام دنیای عرب در سالهای اخیر بوده است.

(ادامه دارد)

اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها، تشدید تضاد طبقاتی و فربگی انگلوار وابستگان به رژیم

شهره صابری

اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها، و در حقیقت حذف یارانه ها، در آذر ۱۳۸۹ کلید خورد. محمود احمدی نژاد، در شب ۲۷ آذر ۱۳۸۹ گفت: «تعدیل و اصلاح قیمت‌ها از ابتدای روز ۲۸ آذرماه اجرایی می شود. از فردا یارانه نقدی دو ماهه واریز شده به حساب مردم قابل برداشت است». بر اساس این طرح میزان یارانه های نقدی هر فرد ماهانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شده بود. به گفته مسئولان دولتی حدود ۷۳ میلیون نفر در فاز اول یارانه دریافت کرده آمد. در اسفند سال گذشته از سوی دولت اعلام شد که ۲۸ هزار تومان به عنوان مابه التفاوت یارانه ی نقدی مرحله ی اول و دوم به حساب سرپرست برخی خانواده ها واریز شده است. اجرای فاز دوم این طرح با حذف ۲۸ هزار تومان یارانه برای تعدادی از خانواده ها که از رفاه نسبی برخوردارند همراه بوده است. قبلا هم با ارسال اس ام اس از این خانواده ها خواسته شده که خود برای انصراف از دریافت یارانه اقدام کنند. اغلب نمایندگان مجلس بر این نظر تاکید می کنند که پرداخت ما به التفاوت به منزله ی شروع مرحله ی دوم است. علی لاریجانی، رئیس مجلس در پی این اقدام خودسرانه ی احمدی نژاد در نامه ای از خامنه ای خواست تا بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی از اختیاراتش برای توقف مرحله دوم طرح استفاده کند. به گفته ی لاریجانی این کار دولت تخلف است و غیر کارشناسی و طوفان تورم ایجاد می کند. از نظر لاریجانی شروع فاز دوم طرح در ماه اول سال ۹۱ و قبل از تصویب بودجه ی کشور صورت گرفته و غیر قانونی است. اقدام خودسرانه ی احمدی نژاد و دولت در این مورد نمایشگر اختلاف و تشدید تناقض درون رژیم است. خامنه ای درخواست لاریجانی در خصوص استفاده رهبر از اختیاراتش بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی را به شورای حل اختلاف فرستاد.

اجرای فاز دوم حذف یارانه ها با افزایش شدید قیمت کالاها و به خصوص قیمت سوخت همراه بوده است. در ابتدای اجرای این طرح و بر طبق مصوبه ی مجلس قرار بر این بود که ۳۰ درصد از درآمد حاصل از حذف یارانه ها به تولید اختصاص داده شود. اکنون مجلس بر این ادعا پافشاری می کند که درآمد دولت از حذف یارانه ها از نصف مبلغ پرداخت شده به صورت نقدی به مردم هم کمتر بوده و صاحبان صنایع هم اظهار داشته اند که تا کنون هیچ مبلغی بابت افزایش تولید و بهینه سازی مصرف سوختی که از زمان حذف یارانه ها تا کنون ۷۰۰ درصد افزایش داشته است دریافت نکرده اند. این بسترهای نامناسب سبب کاهش تولید در کشور و افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز مردم شده است. از طرف دیگر با پرداخت یارانه ها، نقدینگی به شدت رشد کرده و در نتیجه نرخ تورم با سرعت بیشتر افزایش یافته است.

یارانه های پرداخت شده به صورت نقدی همراه با عدم افزایش مناسب دستمزد کارگران و زحمتکشان براساس نرخ تورم، قدرت خرید طبقه ی کارگر و مزدبگیران را به شدت کاهش داده است. تلاشهای ویرانگر رژیم در سطح جهان و به ویژه فعالیتهای اتمی، سبب تحریمهای شدیدی شده است. در مقابل این وضعیت دولت با استقراض از بانک مرکزی به رشد نرخ تورم دامن زده است.

از پیامد های مخرب رشد سرسام آور نرخ تورم، وخامت سطح زندگی و معیشت طبقات زحمتکش و عمیق تر شدن شکاف طبقاتی و دو قطبی تر شدن جامعه است. یکی از اثرات مخرب رشد نرخ تورم، اثر توزیعی آن است. در حالی که طبقه ی سرمایه دار و دلال با در آمد متغیر از این وضعیت سود می برند، طبقه ی مزد بگیر که دارای دستمزد ثابت است به شدت زیان می بیند. با کاهش تولید و رشد قیمت ها سرمایه داران و دلالان که عموماً وابسته به هرم قدرت هستند، با مکیدن حاصل کار و رنج زحمتکشان رشد انگلوار می خواهند داشت. ماهیت استبدادی رژیم اجازه ی فعالیت اقتصادی را جز به مافیای حکومتی و وابستگان به قدرت نمی دهد. با پیشرفت این روند تضاد طبقاتی به شدت افزایش یافته و زوال افشار مختلف خرده بورژوازی به ویژه در حوزه تولید کوچک منجر به افزایش لشگر بیکاران و بی خانمانها خواهد شد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

<http://www.radiopishgam.com/>

در مساله اتمی نتیجه بُرد_بُرد بی معنی است

مهدی سامع

«این مذاکرات مفید و سازنده بود. اکنون به جهتی متمایل شده ایم که بتوانیم گفت و گوهای سازنده و موثری داشته باشیم...انتظار می‌رود که این نشستها بتواند به نتایج ملموسی برسد تا اعتماد جامعه جهانی به صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران تامین شود.» این دو جمله چکیده سخنان کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا است که پس از پایان مذاکرات کشورهای ۱+۵ با رژیم ایران در روز شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ (۱۴ آوریل ۲۰۱۲) در استانبول بیان کرد. سعید جلیلی، سرپرست هیات جمهوری اسلامی نیز پس از پایان مذاکرات ۱۱ ساعته راهبرد پایه ای رویداد شنبه ۲۶ فروردین را «گفت و گو و همکاری» دانست و نتیجه گرفت که مذاکرات «توانست موفق باشد و رو به جلو باشد».

مُنْتَجِه سخنان اشتون_جلیلی همراه با عکس یادگاری آنها سبب گمانه زنیها و تحلیلهای بسیار در رسانه های جمعی جهان شد. رسانه های حکومتی ایران با غوغاسالاری از پیروزیهای جمهوری اسلامی و عقب نشینی غرب گفتند و نوشتند. ایرانیانی هم بودند که توجه خود را به شال گردن خانم اشتون و تاثیر آن بر قیمت مایحتاج عمومی متمرکز کرده و افت ۳۰۰ تومانی از یک کیلو عدس و ۴۰۰ تومان از یک کیلو مرغ را، البته به طنز، از نتایج انتشار عکس همراه با شال گردن کاترین اشتون در حضور سعید جلیلی دانستند.

از لاف زندهای رسانه های حکومتی و از طنز تلخ برخی از ایرانیان که بگذریم، سوال اساسی این است که؛ در استانبول چه گذشته که طرفین ژست بُرد_بُرد می گیرند؟

برای بسیاری از تحلیلگران مذاکرات استانبول همان «دریچه» ای بود که رئیس جمهوری آمریکا به آن اشاره کرده و گفت: «هنوز دریچه ای برای حل دیپلماتیک منازعه وجود دارد. این دریچه در حال بسته شدن است و ایران باید از این فرصت استفاده کند».

گفته می شود که تحریمها و به ویژه تحریم بانکها در حال اثرگذاری است و ریش سفید بدون ریش قوم، خطرات ناشی از تحریمها را عندالملاقات به آقا گوشزد کرده است.

روایت رسانه های نزدیک به باند احمدی نژاد چنین است که؛ حسن روحانی در «سفر مخفیانه» به وین (اتریش) حامل پیامی به مقامهای اروپایی بوده است. این خبر را حسن روحانی تکذیب کرده و اعلام نموده که سفر وی ارتباطی با مذاکرات هسته ای نداشته است.

همین رسانه ها پیشنهادات حسین موسویان منتشر شده در روزنامه «بوستون گلوب» را به عنوان «بسته پیشنهادی» جمهوری اسلامی در مذاکرات استانبول دانسته اند. بر اساس این پیشنهاد در گام اول غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیوم در مقابل لغو تحریمهای بانکی و نفتی متوقف می شود. البته در مورد توقف احتمالی غنی سازی ۲۰ درصدی بعضی از کارگزاران پروژه اتمی هم چراغ سبزهایی نشان داده اند.

دو روز قبل از مذاکرات استانبول، هیات مدیره روزنامه واشنگتن پست در سر مقاله روز پنجشنبه ۲۴ فروردین این روزنامه می نویسد: «سوال عاجل این است که آیا نوعی از معامله نیمه کاره می تواند صورت گیرد که چیزی را که شبیه لغزیدن به سوی جنگ است را در هم بشکند. تا اندازه یی به صورت علنی و تا اندازه یی در بریفینگهای خصوصی، دولت اوپاما آنچه فکر می کند ضروری است را این طور مطرح کرده؛ یک توافق با ایران جهت توقف غنی سازی اورانیوم با درجه سطح بالای ۲۰ درصد، صادر کردن مقدار ۱۰۰ کیلوگرم از سوختی که هم کنون تا این سطح غنی شده، و بستن تاسیسات جدید زیر اعماق کوه در نزدیک شهر قم. در حالی که دولت جزئیات آنچه آماده است، ما به ازاء آن به ایران بدهد را مطرح نکرده است. به نظر می رسد حداقل چیز، قول متوقف کردن تحریمهای بیشتر و احتمال لغو میزانی از سختگیریهایی است که هم اکنون اتخاذ گردیده، مانند آنهایی که بانک مرکزی ایران را هدف قرار داده است». سرمقاله نویسان واشنگتن پست ادامه می دهند: «برای آنهایی که همانند ما معتقدند، اقدام نظامی طی ماههای آتی علیه ایران نه ضروری است و نه عاقلانه، یک قرارداد که در آن ایران شروط دولت آمریکا را برآورده نماید، موجب آسودگی خاطر می گردد، ولی رضایت بخش نیست».

احتمالاً جلوی جنگ را می‌گیرد، اما این ریسک را دارد که در میان مدت، غیر سازنده باشد، زیرا این موجب کاهش فشار فزاینده اقتصادی کنونی علیه ایران می‌گردد و به رژیم اجازه نفس کشیدن می‌دهد».

تا آن جا که به اظهار نظرهای رسمی پیرامون مذاکرات استانبول بر می‌گردد، طرفین به جز خوش بینی و تعیین قرار بعدی هیچ خبر دیگری منتشر نکرده اند. قرار است دور دوم مذاکرات در روز ۳ خرداد امسال (۲۳ مه ۲۰۱۲) در بغداد برگزار شود.

پس از مذاکرات استانبول وزیر امور خارجه رژیم، علی اکبر صالحی خواستار لغو تحریمها شد و در مقابل آمریکا و اروپا با پافشاری بر روی تحریمها، خواستار اقدام عملی از جانب رژیم ایران شدند. به نظر می‌رسد که موضوع اصلی و محوری در مورد پروژه اتمی، علیرغم مارشهای پیروزی همچنان به قوت خود باقی است. تا آن جا که به ولایت خامنه ای بر می‌گردد، در این مورد دو چشم انداز زیر وجود دارد.

حالت اول این است که خامنه ای خطر تحریمها را جدی گرفته و بنابراین تصمیم بر آن دارد که فعلاً از ادامه پروژه دستیابی به سلاح اتمی منصرف شده و بنابراین گام به گام و با گرفتن امتیازاتی به شفاف سازی وضع موجود مبادرت کند. این حالت علیرغم هر امتیازی که جمهوری اسلامی دریافت کند، یک باخت برای رژیم و یک بُرد کلان برای مردم ایران است.

حالت دوم این است که مذاکرات استانبول و در ادامه آن مذاکرات در بغداد جزیی از موش و گربه بازی خامنه ای برای خرید وقت و کُند کردن پروسه تحریمها و در نتیجه رسیدن به نقطه مطلوب باشد. این نقطه مطلوب می‌تواند دستیابی کامل به سلاح اتمی و مذاکره از موضع قدرت و یا تدارک کامل برای ساختن سلاح اتمی بدون آن که تصمیم سیاسی برای مرحله نهایی آن اتخاذ شود، باشد. در چنین وضعیتی پروژه اتمی رژیم همچون چماقی بالای سر همه جهان خواهد بود که البته رژیم کوشش خواهد کرد تا از مرز تحمل قدرتهای غربی عبور نکند. در واکنش به چنین وضعیتی کشورهای غربی یا به فشار بر رژیم ایران ادامه می‌دهند و یا این که سرانجام ولایت خامنه ای را در باشگاه اتمی می‌پذیرند. بدیهی است که این حالت به زیان مردم ایران و به سود خامنه ای و همه کسانی که از جنگ و توسعه بحران اتمی بهره برداری می‌کنند خواهد بود.

واقعیت این است که پروژه اتمی رژیم ایران به طور کامل در تقابل با منافع آبی و آبی مردم ایران و مردم سراسر جهان قرار دارد. منافع کشور و مردم ایران ایجاب می‌کند که خامنه ای با فشار مداوم جامعه جهانی، بدون استفاده از حربه جنگ، مجبور به عقب نشینی شود. در این عقب نشینی خامنه ای هر امتیاز متصورى که از جانب غرب دریافت کند، نمی‌تواند زیانهای ناشی از نوشیدن جام زهر را جبران کند و مردم ایران علیرغم خسرانهای احتمالی و منجمله به حاشیه رفتن نقض حقوق بشر در ایران، که البته اکنون هم در حد انتظار در متن نیست، سود خواهند برد.

دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در گُلن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

مجموعه این دو DVD ۹ ساعت است

بها: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار به اضافه ۲ یورو یا ۳ دلار برای هزینه پست

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.com

زنان در مسیر رهایی، فروردین ماه

آناهیتا اردوان

زنان مداخله گر، انتخاب این ماه: الیزابت گرلی فلین

"الیزابت گرلی فلین"، یکی از برجسته ترین اعضای "سازمان کارگران صنعتی جهان" است. الیزابت در سال ۱۹۰۶، شانزده ساله بود که به این سازمان پیوست و یک سال بعد، اولین اعتصاب در کارخانه لاستیک سازی "بریج پورت" در ایالت "کنتیکت" را تجربه کرد. از آن پس او در همه جا حضور داشت، در میان معدنچیان، در میان کارگران نساجی که ۱۷ ماه در برابر چماق و استنشاق گاز، سرما و زندانی شدن گروهی ایستادگی کردند. الیزابت، ۲۳ هزار کارگر نساجی "لورانس" را طی ۲ ماه اعتصاب سخت شان همراهی کرد. او در میان ابریشم بافان "لورانس" و روبان سازان که ۵ ماه تمام در مقابل شقاوت پلیس، دستگیری و گرسنگی پایداری کردند، از مشی طبقاتی انقلابی پیگیر پیروی می کرد. او هیچگاه امتیازی به فمینیسم بورژوایی نداد. الیزابت گرلی فلین می گفت: "ملکه ای که در کاخ خود نشسته است، هیچ منافع مشترکی با خدمتکاران آشپزخانه ندارد. همسر صاحب یک فروشگاه بزرگ هیچگونه دغدغه خاطری برای آن دختر ۱۷ ساله که بخاطر ۵ دلار در هفته به فحشا متوسل می شود، ندارد."

الیزابت استدلال می کرد که کلید بیداری زنان کارگر مبارزه در محل کار است و زنان و مردان باید مبارزه را دوشادوش یکدیگر سازماندهی کنند. الیزابت می گفت: "رهایی زنان بدون انقلاب سوسیالیستی به طور واقعی و کامل، محقق نخواهد شد. برای رهایی زنان به چیزی به مراتب بیشتر از یک حق رای مجرد نیاز است. هیچ چیزی کمتر از یک انقلاب اجتماعی نمی تواند اسارت و بی اثری کنونی زنان را درهم بشکند. انقلاب اجتماعی پیش شرط درهم شکستن قیود ناشی از ستم جنسیتی است."

قابل ذکر است که کارگر انقلابی "جو هیل" هنگامی که در سال ۱۹۱۵ به علت فعالیت در دفاع از منافع طبقاتی اش به اتهامات جعلی و ساختگی به اعدام محکوم گردید، در زندان ترانه سرود "دختران شورشی" را نوشت و آن را به الیزابت که در آن زندان به دیدارش می رفت، تقدیم نمود. این فعال کارگری به داشتن روحیه ای آهنین معروف بوده است.

زنان در افغانستان و جنایت اخلاقی

خبرگزاری اروپا، ۹ آوریل ۲۰۱۲ - بر اساس گزارش دیدبان حقوق بشر، زنان افغانی به "جرمهای اخلاقی" که شامل پیمان شکنی نظیر فرار از همسر شیاد و یا گریز از ادامه ازدواج تحمیلی به ویژه ازدواج در سنین پایین می باشد، دستگیر می شوند. برخی از این زنان، در حین فرار توسط مردانی ربوده شده اند و در پی آن به اتهام این که با سارق خود رابطه جنسی داشته اند، به زندان فرستاده شده اند. دیدبان حقوق بشر شمار زنان و دخترانی که به دلایل مذکور در حبس به سر می برند را چهارصد نفر اعلام کرده است. این در حالیست که گزارشها بر آماری دو برابر میزان ذکر شده توسط دیدبان حقوق بشر تاکید دارند.

از نظر قانونی، پیشرفت چشمگیری پیرامون معضلاتی که زنان در افغانستان با آن روبرویند، حاصل نشده است. اگرچه دولت حامد کرزای با تصویب قانون منع هر گونه خشونت علیه زنان، ازدواج اجباری، ازدواج کودکان، اعمال خشونت خانگی و تجاوز جنسی را ممنوع اعلام کرده است، اما ماموران دولتی تصویب قوانین مذکور را نادیده می گیرند و یا از اظهارات و شهادت زنان قربانی چشم پوشی می کنند، زیرا این زنان را دروغگو، فاسد و هرزه به حساب می آورند. افزون بر این، زنان زندانی بعد از رهایی به ندرت به سوی خانواده هایشان باز می گردند، زیرا آنان به شرمسار و بی آبرو کردن خانواده خود از سوی خویشاوندان و نزدیکان شان نیز مُتهمند. برخی از سازمانهای غیر دولتی مدافع حقوق زنان به ایجاد پناهگاههایی مبادرت ورزیده اند. پناهگاهها نه تنها به اندازه کافی نیستند، بلکه مکانهای امنی نیز به حساب نمی آیند. گزارش دیدبان حقوق بشر اعلام می کند که بسیاری از زنها به دلیل گریختن از خشونت خانگی و همسران شان، در همین پناهگاهها مورد هجوم واقع و دستگیر شده اند.

با این که بحث و جدل پیرامون حقوق انسانی زنان بعد از پایان حکومت طالبان در جامعه افغانستان افزایش یافته است، اما این امر هنوز بسیار از آنچه که در این زمینه کافی می باشد، فاصله دارد. در همین رابطه هنوز بیش از نیمی از دختران افغانستان از تحصیل محرومند و هر دو ساعت یک زن افغان در زمان وضع حمل، جان خود را از دست می دهد که مهمترین عامل این موضوع، ازدواج اجباری دختران بسیار جوان است که رشد جسمانی شان هنوز برای بارداری و وضع حمل، کافی نیست.

زنان لبنانی و مساله انتقال ملیت

دیلی استار، ۴ آوریل ۲۰۱۲ - زنان لبنانی با برگزاری یک تجمع خواستار تصویب قانونی توسط دولت شدند که به آنها اجازه دهد ملیت خود را به همسران و کودکان خود انتقال دهند. هشتاد زن در میدان "التحریر" لبنان به منظور مخالفت با قانون تابعیت فعلی دولت گرد هم آمدند. کمیته ای که به همین منظور در مجلس تشکیل شده، مدتها عنوان می کند که پیرامون تهیه و تنظیم طرحی جهت تغییر قانون تابعیت کشور به مجلس در حال گفتگوست. به تازگی کمیته مزبور اعلام کرده است که طرح قانونی که به زنان لبنانی اجازه می دهد ملیت خود را به کودکان و همسرانشان انتقال دهند را تهیه کرده است، اما این طرح شامل زنان لبنانی که همسران فلسطینی دارند، نمی شود. مدافعان حقوق زنان به شدت با طرح مزبور مخالف کرده اند و ابراز می دارند که زنان لبنانی می بایست قادر باشند بدون هیچ استثنایی ملیت خود را به فرزندان و همسران خود انتقال دهند. آنها ابراز می دارند که در شرایط فعلی بسیار از مردان به دلیل عدم بهره مندی از امکانات اجتماعی مانند بیمه، حقوق بیکاری و بازنشستگی در نتیجه نداشتن تبعیت لبنانی مجبور به ترک فرزندان خود می شوند. قانون تابعیت لبنان از سوی بسیاری از فعالان مدنی، روشنفکران و متخصصان، غیرانسانی و حیرت انگیز ارزیابی شده است.

تغییر در قانون خانواده مصر: یک گام به عقب!

خبرگزاری میدل ایست، ۲ آوریل ۲۰۱۲ - در طول یک سال و نیم گذشته گفتگوهای زیادی پیرامون قانون خانواده مصر که رابطه ای مستقیم با حقوق انسانی زنان دارد، انجام شده است. در حالی که بسیاری از زنان و مردان مصری به خیابانها آمدند و خواستار پیشرفته تر شدن قانون مذکور و نه از بین رفتن آن شده اند، احزاب و گروههای مذهبی ادعا می کنند که قانون خانواده مصر خلاف شریعت اسلام است و به عنوان مثال، قانون "خولا" مسیر طلاق را برای زنانی که همسرانشان حاضر به جدایی نیستند، آسان تر می کند.

"محمد آل امداد" از حزب "الوفد" که در راس کمیته مجمع قانون گذاری قرار دارد، همراه با برخی از اعضای پارلمان خواهان لغو قانون "خولا" شده اند. او و "حزب آزادی و عدالت" همچنین پیشنهاد کرده اند که "کنسول ملی زنان مصر" منحل و به جای آن یک کنسول ملی برای خانواده تاسیس و فعال گردد.

بر اساس قانون "خولا" یا طلاق، دادگاه با درخواست طلاق زن در صورت بخشش مهریه موافقت می کند. مخالفان ابراز می دارند که قانون مذکور خلاف شریعت اسلام است و طلاق بین متاهلان را افزایش می دهد. خانم "ناهد عبدل گمسان"، رییس "مرکز مصر برای حقوق زنان" در گفتگو با تلویزیون می گوید بر خلاف آنچه که مخالفان ابراز می دارند، فقط سه درصد از کل طلاقهایی که در مصر صورت می گیرد بر اساس قانون "خولا" انجام پذیرفته است.

خانم "آزا کامل"، موسس "زنان مصری برای تغییر" نیز اعتقاد دارد که درخواست برای منسوخ ساختن قانون "خولا" اتفاقا زمانی که زنان برای دستیابی به حقوق خود مبارزه می کنند، خطایی بزرگ است. وی اضافه می کند که اگر یکی از این مخالفان به دادگاههای خانواده مراجعه کند، متوجه می شود که زنان با وجود همین قوانین برای جدا شدن از همسرانشان با مشکلات پر شماری روبرو هستند.

سال گذشته دو قانون مربوط به کودکان اصلاح شد. یکی از آنها بند ۳۱ بود که سن ازدواج را تا ۱۸ سال افزایش داد. اکنون، این بند نیز مورد گفتگو قرار گرفته است. "سلفی" ها ادعا می کنند که حداقل سن برای ازدواج هر دو جنسیت باید از بین برود. آنها توضیح می دهند که در شریعت اسلام سن بخصوصی برای ازدواج مشخص نگردیده و عدم تعیین یک سن مشخص برای ازدواج می تواند جلوی ارتکاب به گناه را بگیرد و "پیر دختری، خانه نشینی یا مجرد زنان" را کاهش دهد. این در حالیست که بر اساس قوانین بین المللی، دختران زیر سن ۱۸ سال آنقدر بالغ نیستند که ازدواج کنند و یا باردار

گردند. مدافعان حقوق زنان ابراز می‌دارند که "سلفی" ها تلاش می‌کنند تا زنان را با تغییر و حذف قوانین به انزوا بکشانند. این موضوع در تعداد اعضای زن "مجمع قانون اساسی جدید" که فقط پنج نفر بودند، مشخص گردید. افزون بر اینها، بعضی افراط‌گرایان خواهان از بین رفتن میثاق حذف هر گونه تبعیض علیه زنان که به عنوان یک اصل جهانی از سوی بسیاری کشورها جهت حمایت از حقوق زنان پذیرفته شده، گردیده‌اند. آنها می‌گویند؛ قانون مذکور حاوی بندهایی است که خلاف شریعت اسلام و یک برنامه کاری خارجی است. قابل ذکر است که قانون مزبور از سال ۱۹۸۱ توسط دولت مصر به استثنای چهار بند در رابطه با برابری جنسیتی، حقوق خانواده و شکایتها، پذیرفته شد. خانم "دورا شرف الدین"، سخنگوی "کنسول ملی زنان مصر" ادعا می‌کند که آنهايي که با میثاق حذف هر گونه تبعیض علیه زنان مخالفت می‌کنند، باید بدانند که کشورهایی مانند عربستان سعودی که نسبت به مصر، بنیادگرا تر هستند نیز آن را امضا کرده‌اند. افزون بر این، "شرف الدین" اعتقاد دارد که برخی تلاش می‌کنند تا اندیشه‌های "وهابی" را در راستای به انزوا کشاندن زنان در مصر نهادینه کنند. این در حالیست که زنان در کشورهای خاورمیانه تلاش می‌کنند تا به نقش مهم خود در تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نقشی شایسته ایفا کنند.

گینه نو و حمایت از زنان در برابر اعمال خشونت

شبکه خبری زنان، ۲۷ مارس ۲۰۱۲ - گزارشگر ویژه سازمان ملل از مسوولان امور گینه نو خواست تا با تصویب قوانینی از حقوق زنان در برابر خشونت، حمایت کند. وی اضافه کرد که مسوولیت جلوگیری از اعمال خشونت علیه زنان، حمایت از حقوق آنها و فراهم آوردن شرایطی مناسب برای قربانیان جهت رفع عوارض اعمال خشونت، نخستین تعهد همه دولت‌های جهان است. دولت‌ها می‌بایست بطور مشخص آداب و رسومی که به حقوق انسانی زنان لطمه وارد می‌سازد را شناسایی کنند و بدین گونه، اعمال خشونت علیه زنان را تحت هر شرایطی از بین ببرند.

خشونت علیه زنان در گینه نو پدیده‌ای همه گیر است که به میزان وسیعی در خانه، اجتماعات و از سوی نهادهای بنیادگرا اعمال می‌گردد. بیشتر قربانیان از سوی مردانی مورد خشونت قرار می‌گیرند که یکی از اعضای خانواده آنهاست. پدیده چند همسری از مهمترین علل اعمال خشونت در گینه نو، با تحقیر همسر اول و کودکان آغاز می‌گردد و در برخی موارد به آزار و اذیتهای جنسی، فیزیکی و قتل زن خاتمه می‌یابد.

زنان قربانی شرایط بد اقتصادی آمریکا هستند

گاردین، آینه روز، هفت آوریل ۲۰۱۲ - رکود و بحران اقتصادی آمریکا پیش از هر چیز بخش اشتغال زنان را قربانی کرده است و بیشتر فرصت‌های شغلی زنان این کشور با بحران اقتصادی از بین رفته است.

براساس آخرین گزارشها و آمارهای دولت آمریکا در ماه گذشته میلادی، بسیاری از زنان آمریکایی به دلیل رکود اقتصادی شغل خود را از دست داده‌اند. همچنین طبق این آمار، میزان بیکاری در بین سیاهان دوبرابر سفیدپوستان است. آمار وزارت کار آمریکا می‌گوید، بیش از ۱۷۷ هزار تن از زنان آمریکایی شغل خود را از دست داده‌اند. "بتزی استیونسون"، استادیار دروس تجارت دانشگاه پنسیلوانیا در این رابطه گفته است: "تجدید تحرک اقتصاد آمریکا که پس از بحران و رکود اقتصادی شدید آغاز شده، تاثیری بر وضعیت زنان این کشور نداشته است. زنان آمریکایی بیشتر در مشاغل دولتی یا مدارس مشغول به کار بودند که با شروع بحران اقتصادی تا کنون بسیاری از آنها شغل خود را از دست داده‌اند. بخش دیگری از زنان نیز در بخشهای تجاری کوچک فعالیت می‌کردند که در تشدید بحران اقتصادی مشاغل خود را از دست داده‌اند. آمارهای وزارت کار آمریکا نشان می‌دهد با وجود این که مقامهای رسمی اعلام کرده‌اند که بیش از ۱۲۰ هزار شغل ایجاد کرده‌اند، اما در عمل نتیجه آن بسیار با آنچه که انتظار می‌رفت فاصله دارد. بر اساس این آمار، در ماه مارس بخشهای تجاری کوچک آمریکا با ۳۴ هزار کاهش شغل مواجه بوده‌اند."

"استیونسون" می‌افزاید: "من نگران وضعیت اشتغال زنان هستم. شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که مردان راحت تر و بسیار سریع تر از زنان کار پیدا می‌کنند. در بخشهایی مانند بهداشت و سلامت که به طور تاریخی زنان بیش از مردان به کار گرفته می‌شدند، اکنون مردان در حال مسلط شدن بر مشاغل این بخشها هستند. در بخش صنعت نیز صنایع آمریکا برای بازسازی اقتصادی خود در اولین اقدام به اخراج نیروهای کار زن خود کرده‌اند."

طبق آمار رسمی وزارت کار آمریکا، در حال حاضر نرخ بیکاری زنان آمریکا به ۸/۳ درصد افزایش پیدا کرده است. میزان بیکاری سیاهان و اسپانیایی تبارها در آمریکا دو برابر سفیدپوستان است. همچنین از دیگر نکات جالب توجه این آمار رشد

میزان بیکاری سیاهپوستان آمریکایی است. براساس آمار رسمی، نرخ بیکاری سیاهان در آمریکا نزدیک به دو برابر سفیدپوستان و در حدود ۱۴ درصد اعلام شده است. اسپانیایی تبارهای آمریکا نیز نرخ بیکاری بیش از ۱۰ درصد را به خود اختصاص داده اند.

مشارکت زنان در احزاب سیاسی هنوز به میزان قابل توجه ای پایین است

اگرچه مشارکت سیاسی زنان بر اساس بسیاری از میثاقهای بین الملل کاملاً به رسمیت شناخته شده، اما عینیت یافتن یک مساله تیوریک زمان و تلاش بسیار می طلبد. گزارش ۱۱۸ صفحه ای مشترک بخش برنامه های توسعه سازمان ملل و "بنیاد دموکراتیک ملی برای امور بین المللی" اشاره می کند که اگرچه چهل تا پنجاه درصد از اعضای احزاب سیاسی جهان زن هستند، با این وجود تنها ده درصد از آنها در جایگاه رهبری احزاب خود قرار دارند. این در حالیست که کمتر از بیست درصد از پارلمانهای جهان، نمایندگان زن را در خود جای داده است.

مدیر بخش توسعه سازمان ملل، خانم "هلن کلارک" می گوید که احزاب سیاسی باید فعالیتها و تلاش بیشتری در راستای حمایت از حق مشارکت سیاسی زنان انجام دهند. تناسب اشتغال زنان در پست وزارتی دولتها نسبت به مردها در جهان پایین و برابر با شانزده درصد است. افزون بر این، تناسب زنان به عنوان رهبر دولتها بسیار پایین تر می باشد که در سالهای اخیر کاهش بیشتری پیدا کرده است تا آنجا که در سال ۲۰۱۱ به پنج درصد رسیده است. بر اساس آخرین آمار بخش زنان سازمان ملل، تعداد زنانی که در راس دولتهای جهان قرار گرفته اند، بین ۱۹۳ کشور جهان، ۱۸ کشور است. در هیچ منطقه ای از جهان نشانه ای از دستیابی به سی درصد زن در موقعیت تصمیم گیری دیده نمی شود. در حالی که سازمان ملل در هشتمین نشست هزاره اهداف توسعه در سال ۲۰۰۰، بر نقش کلیدی زنان شامل قدرت گیری آنها در پروسه پیشرفت کشورهای جهان تاکید ورزید.

فرهنگ و هنر....

رویدادهای هنری فروردین ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- "من معتقدم یک چیز از آن بالا مراقب ماست، ولی باید متاسفانه بگم آن چیز دولت است" (وودی آلن (۱ دسامبر ۱۹۳۵) کمدین، بازیگر، کارگردان و نویسنده آمریکایی)

- "در روزگاری که دروغ یک واقعیت عمومی است، به زبان آوردن حقیقت یک اقدام انقلابی است" (جورج اورول (۱۹۰۳) - ۱۹۵۰)، نویسنده و روزنامه نگار انگلیسی)

سینما



جلوگیری از اکران فیلم "مسابقه" در آستانه برگزاری جام ملت‌های اروپا

دولت کیف در هراس از این که اکران فیلم "مسابقه" در آستانه برگزاری مسابقات جام ملت‌های اروپا ممکن است به احساسات و تعصبات ناسیونالیستی دامن زند، از نمایش این فیلم جلوگیری کرد.

این فیلم، مسابقه فوتبالی را حکایت می کند که در آن تیم "ورهارت" آلمان در روز نهم ماه اوت ۱۹۴۲، در مقابل تیم قوی "داینامو کیف" قرار گرفت. در این بازی، تیم کیف با وجودی که ارتش "اس اس" به آنها اخطار کرده بود ببازند، ۵ بر ۳ تیم آلمان را شکست داد. یک هفته پس از این مسابقه، ۹ نفر از اعضای تیم کیف دستگیر شدند، یکی از آنها در دوران بازداشت درگذشت و سه نفر دیگر ۶ ماه بعد در اردوگاههای مرگ به دست جوخه اعدام سپرده شدند. بعضی از کارشناسان ابراز نگرانی کرده اند که این فیلم در شرایطی که اوکراین قرار است میزبانی چندین مسابقه تیم ملی آلمان را عهده دار باشد، ممکن است لبه تیز خشونتها را متوجه طرفداران فوتبالیستهای آلمانی کند.

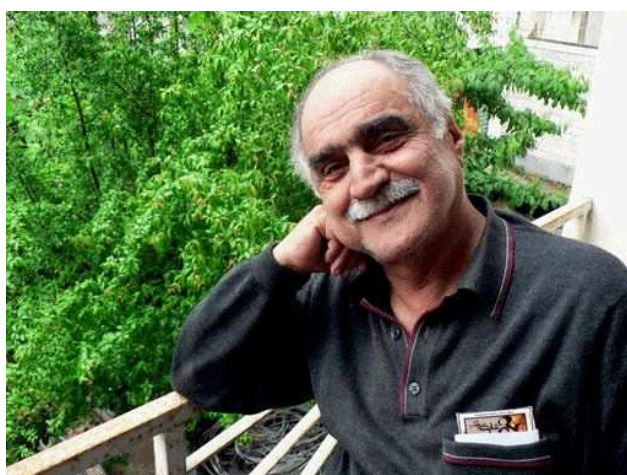
افاضه های مدیران فرهنگی و سینمایی جمهوری اسلامی

جواد شمعدری و علیرضا سجادپور، دو مقام وزارت ارشاد اسلامی، تصاحب جایزه اسکار فیلم اصغر فرهادی را "موفقیت کل سینمای ایران و نشانه بزرگی و قدرت این سینما" توصیف کردند. یادآور می شود که تنها چند ماه پیش بود که تشکل صنفی فراگیر همین سینماگران که "بزرگی و قدرت" به سینمای ایران داده اند، به دست همین افراد منحل شد. البته، انحلالی که توسط اکثریت مطلق فعالان سینمای "بزرگ و قدرتمند" ایران مورد اعتراض قرار گرفت که خود آقای فرهادی نیز از معترضان بدان بود.

سانسور فیلمها در مصر

از زمانی که اسلامگرای مصر از هر دو جناح (اخوانی و سلفی) از طریق انتخابات توانستند موقعیت سیاسی خود را تثبیت کنند، ناظران نمایش فیلم به حذف صحنه های بوسه و رقص و امثال آن پرداخته اند. بعد از ۴۳ سال اکران فیلم "ابی فوق الشجره" به بازیگری "عبدالحلیم حافظ"، از نمایش این فیلم در مصر جلوگیری می شود. این اثر معروفترین فیلم عاشقانه ی عرب است و نه تنها در زمان خود محبوب خاص و عام شد، بلکه بارها و بارها در سینماهای نقاط مختلف جهان به نمایش درآمد، به طوری که همان جایگاهی را در سینمای عرب دارد که قصه ی عشق "اریک سگال" در غرب به دست آورده است. "نظارت اخلاقی" که بر فیلمسازی در مصر حاکم شده است، به نظر می رسد نه فقط شامل آثار امروز و فردای هنرپیشگان و کارگردانان می شود، بلکه سانسور بر اعمال چندین دهه پیش نیز را دربر گرفته است.

موسیقی



درگذشت فریدون پوررضا خواننده مشهور و پرآوازه گیلان

فریدون پوررضا خواننده مشهور و پرآوازه گیلان عصر چهارشنبه ۲۳ فروردین به دلیل بیماری آسم در سن ۸۰ سالگی در بیمارستانی در رشت درگذشت.

به گزارش سایت گیلان مهر، فریدون پوررضا در ۳ مهر ۱۳۱۱ در لشت نشاء متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو به پایان رساند و سپس در مغازه پدر به آرایشگری پرداخت.

او از استادان آواز یونس دردشتی، سعادت مند قمی و غلامحسین بنان آواز ایرانی را آموخت و در سال ۱۳۳۳ کار تعزیه را به همراه علی به کیش آغاز نمود. او در همان سال نمایشنامه ای برای تئاتر و اجرای آن در سالن سینمای لشت نشاء نگاشت.

شش سال بعد در آزمون خوانندگی رادیو گیلان رتبه اول را کسب کرد و به طور رسمی به عنوان خواننده شروع به کار نمود. از اردیبهشت ۱۳۵۰ همکاری با تلویزیون را آغاز کرد. و در همان سال به عنوان پژوهشگر آواهای بومی و با همراهی مشاهیر فرهنگی و هنری ایران سیمین دانشور، محیط طباطبائی، منوچهر آتشی، محمود عنایت، ایرج افشار و دیگر استادان برجسته دانشگاه تهران به لندن سفر کرد.

فریدون پوررضا برداشتی متفاوت از موسیقی فولکلور ارائه داده و از ملودیهایی دیلمان، گالش و گیلک در این راه استفاده کرد. او با تحقیق در زمینه موسیقی، بسیاری از ظرفیتهای موسیقی گیلان را رشد داد و به گیلان و ایران معرفی نمود.

علیرضا افتخاری، ابراز ندامت از ابراز ندامت

برنامه "صبح با خبر" شبکه خبر به بهانه بهار، اقدام به معرفی موسیقی سنتی و اصیل ایرانی کرده است. علیرضا افتخاری با ابراز این که "شاید برخی دلخوریها پیش بیاید؛ چرا که بعضی وقتها در کارمان خطایی ایجاد می‌شود"، پس از دو سال کناره گیری در این برنامه شرکت کرد.

وی از این که در این مدت کسی با "یک شاخه گل" به دیدار او نرفته، ابراز تاسف کرد. پیشتر، وی گفته بود: "برای به آغوش کشیدن رییس جمهور تحت فشار قرار گرفتم ولی او احوالم را نپرسید تا بدانم کارم درست بوده یا نه." افتخاری البته از در آغوش کشیدن احمدی نژاد در روزی که به مناسبت "گرامیداشت ارزش و منزلت خبرنگاران" در تهران جشنی بر پا شده بود، فرا تر رفته بود. او گفته بود: "آقای رییس جمهور دوستت دارم."

کتاب

انتشار کتاب تازه ای از محمد رضا شفیعی کدکنی

"نشر سخن" کتاب جدیدی به نام "با چراغ و آینه" از محمد رضا شفیعی کدکنی منتشر کرد. این کتاب در باره جستجوی ریشه های تحول شعر معاصر و در ۷۶۸ صفحه است.

شفیعی کدکنی در کتاب تازه خود پس از پرداختن به مجموعه ی عوامل موثر اجتماعی - سیاسی در انقلاب مشروطه و پیش از آن بر شعر فارسی، به تبیین زمینه ها و چگونگی تأثیر ترجمه بر شعر معاصر ایران می‌پردازد و معتقد است: "تحولات شعر مدرن فارسی در قرن اخیر، تابعی است از متغیر ترجمه ادبیات و شعر اروپایی در قلمرو زبان پارسی." از جمله آثار این شاعر و استاد زبان و ادبیات فارسی "فلندریه در تاریخ"، "موسیقی شعر"، "این کیمیای هستی"، "ادوار شعر فارسی"، "شعر معاصر عرب"، "شاعر آینه ها" و همچنین مجموعه های شعر "زمزمه ها"، "شبخوانی"، "از زبان برگ"، "در کوچه باغهای نیشابور"، "مثل درخت در شب باران"، "از بودن و سرودن"، "غزل برای گل آفتابگردان"، "ستاره ی دنباله دار" و "در ستایش کبوترها" است.

برندگان جوایز "پولیتزر"

برندگان جایزه ی جهانی روزنامه نگاری "پولیتزر" امسال معرفی شدند. این "اسکار رسانه ای" در میان شگفتی ناظران در بخش رمان هیچ برنده ای نداشت. یک خبرنگار ۲۴ ساله برنده جایزه گزارشگری محلی و یک عکاس افغان برنده ی جایزه عکس خبری شدند.



مسعود حسینی عکاسی را در سالهایی که در ایران مهاجر بود، آغاز کرد و پس از سقوط طالبان به کابل آمد و آموزش عکاسی را در "موسسه فرهنگی آینه" ادامه داد. رضا دقتی و منوچهر

دقتی، عکاسان ایرانی در این موسسه آموزش عکاسی می دادند.

"سارا گنیم"، خبرنگار جوانی که گزارش رسوایی جنسی در کالجی در آمریکا را دنبال و پوشش داد، برنده ی جایزه ی "پولیتزر" در رشته ی "گزارشگری محلی" شد. "گنیم" در روزنامه ی محلی "پتریوت نیوز" در ایالت پنسیلوانیای آمریکا کار می کند.

روزنامه ی معروف "نیویورک تایمز" نیز که معمولا هر سال نامش در لیست برندگان است، امسال در دو رشته ی "گزارشگری تحقیقی" در باره فرار ثروتمندان آمریکایی و روسای شرکتهای بزرگ از پرداخت مالیات و "گزارشگری بین الملل" به دلیل گزارشهای خود درباره ی بحران در قاره ی آفریقا، برنده ی جایزه ی "پولیتزر" شد.

رشد تاثیر شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های اینترنتی

لیست منتخبین سال ۲۰۱۲ "پولیتزر" حاکی از آن است که اهمیت و تاثیر سایتهای خبری آنلاین و کاربرمحور بیشتر شده و این جایزه ی رسانه‌ای، سایتهای کاربرمحور را جدی تر گرفته است. امسال سایت خبری "هافینگتون پست" و "پولیتیکو" برنده ی "پولیتزر" شدند. "هافینگتون پست" اولین سایت خبری روزانه است که برنده ی "پولیتزر" می‌شود. "دیوید وود"، خبرنگار این رسانه‌ی خبری به دلیل مجموعه ی ۱۰ قسمتی که از زندگی سربازان مجروح آمریکایی در عراق و افغانستان تهیه کرد، برنده ی جایزه مزبور شد.

سایت خبری "توسکالوسا" که برنده ی این جایزه در گروه بهترین رسانه ی خبری شد، در شبکه های اجتماعی حضور بسیار فعالی دارد. "فید" توییت این سایت خبری فعالانه و بسیار سریع آخرین اخبار را اعلام می‌کند.

نمایشگاه

نمایشگاه یادگاریهای قربانیان اعدامهای دهه شصت ایران



نمایشگاهی از یادگاریهای قربانیان اعدامهای دهه شصت ایران از ۲۰ اسفند ماه سال ۱۳۹۰ در خانه "آنا فرانک" شهر فرانکفورت آلمان افتتاح شده است. پرستو فروهر، هنرمند ایرانی ساکن آلمان و فرزند داریوش و پروانه فروهر، از قربانیان قتل‌های زنجیره ای و "منیره برادران"، فعال حقوق بشر و زندانی سیاسی دهه شصت، بانیان برگزاری این نمایشگاه هستند.

فروهر و برادران در این نمایشگاه برای واکاوی خاطرات دهه نخست پس از انقلاب، به سراغ فرزندان قربانیان آن رفته اند تا از زاویه تجربیات و یادگاریهای آنها از والدینشان، آنچه در دهه شصت بر مخالفان سیاسی گذشته را بازخوانی کنند. نام "امید" در عنوان نمایشگاه، به بیان خانم فروهر، سمبلی است از فرزندان "نسل سرکوب شده ای که در آن سالها به زندان افتادند، بسیاری از آنها اعدام شدند و بسیاری هم ناچار شدند سرزمین خود را ترک کنند و در تبعید زندگی کنند". بخشی از این اشیاء، کاردستی‌هایی است که زندانیان برای عزیزانشان ساخته اند.

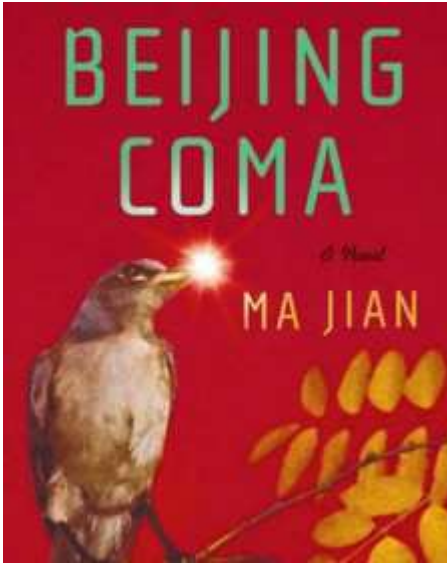
نمایشگاه هنر کلن

نمایشگاه هنر کلن (Art Cologne) در آلمان از قدیمی ترین و معتبرترین بازارهای هنر جهان محسوب می‌شود. در این نمایشگاه ۲۰۰ گالری از ۲۴ کشور جهان آثار هنری خود را تا روز ۲۲ آوریل به نمایش و فروش می‌گذارند. آثاری که در بازار کلن عرضه می‌شود، بسیار متنوع است و به دوره های مختلف تعلق دارد. در کنار آثار هنری، تازه ترین وسایل و تکنیکهای مربوط به نقاشی، مجسمه‌سازی، طراحی و گرافیک نیز توسط شرکتها و موسسه های بین‌المللی به علاقمندان معرفی می‌شود.

یکی از گرانترین کارهایی امسال، تابلویی از "لودویک کیرشمر" و متعلق به سال ۱۹۱۹ میلادی است که ۳ میلیون یورو قیمت‌گذاری شده است. "آرت کولون" از سال ۱۹۸۰ یک جایزه ی ویژه به اشخاصی اهدا می‌کند که در معرفی هنر مدرن تلاشهای ارزنده‌ای داشته‌اند.

سانسور در چین و نمایشگاه کتاب لندن

نمایشگاه کتاب لندن، یکی از بزرگترین و معتبرترین نمایشگاههای کتاب جهان، در ماه آوریل به مدت سه روز دایر بود. این نمایشگاه ۴۱ سال از فعالیت اش می‌گذرد و هر ساله صدها ناشر و متخصص صنعت نشر برای شرکت در آن با هم رقابت می‌کنند. امسال نیز بیش از ۱۵۰۰ موسسه بین‌المللی مرتبط با صنعت نشر و ۲۴ هزار و ۵۰۰ ناشر در آن شرکت داشتند.



ناشران مختلف از سرتاسر دنیا در لندن جمع می‌شوند تا کتابهای جدید و در دست چاپ شان را در معرض دید عموم بگذارند و برای ترجمه و چاپ کتابهای غیرانگلیسی زبان با هم رایزنی کنند. نمایشگاه کتاب لندن یکی از بهترین فرصتها برای ناشران غیرانگلیسی زبان است.

مهمان افتخاری بخش "شناسایی و معرفی بازارهای تازه" امسال کشور چین بود. چین از مهم‌ترین بازارهای صنعت چاپ و نشر کتاب وب رزرگ‌ترین ناشر دنیا بر حسب تیراژ شناخته می‌شود.

انتخاب چین به عنوان مهمان افتخاری در این بخش با انتقادهای بسیاری از سوی نویسندگان چینی، مطبوعات انگلیسی و اعضای کمیته‌های حقوق بشری و آزادی بیان همراه بوده است. به همین دلیل هیچ کدام از نویسندگان مخالف یا تبعیدی چینی در این نمایشگاه حضور نداشتند

عربستان سعودی و آزادی بیان هنرمندان!؟

عربستان سعودی، کشوری که نام آن در جهان بعد از نفت، فقدان آزادی را تداعی می‌کند، به تازگی و برای اولین بار به هنرمندان جوان این کشور مجوز برپایی نمایشگاه داده است. بخش بزرگی از این آثار انتقادی است.

برپایی نمایشگاهی با موضوعاتی چون آزادی بیان و حقوق زنان در کشوری که در آن حقوق بشر به آسانی زیر پا گذاشته می‌شود، قانون شریعت حاکم است و زنان حتی حق رانندگی ندارند، بسیار تعجب انگیز بود و توجه بسیاری از رسانه‌های جمعی را جلب کرد. این نمایشگاه با پی گیری و تلاش چندساله هنرمندان امکان پذیر شد.

"ورنر بلوخ"، خبرنگار روزنامه اینترنتی "نسایت آنلاین" اولین قدم در این راه را به هم پیوستن تعدادی از هنرمندان سعودی در قالب یک گروه هنری به نام **Edge of Arabia** می‌داند. این گروه که در لندن مستقر است، موفق به شرکت در نمایشگاههای زیادی از جمله "دوسالانه ونیز" شد؛ موفقیتی که نه تنها توجه علاقه‌مندان خارجی بلکه، مقامات سعودی را نیز به خود جلب کرد.

"احمد عنقاوی"، هنرمندی که می‌خواهد آزادی بیان در این کشور تبلیغ کند، کره ای ساخته است که سطح آن را تعداد زیادی میکروفون پوشانده است. وی همچنین ۳۶۰ میکروفون دیگر در نقاط مختلف شهر جده نصب کرده است. هر بازدیدکننده می‌تواند در صورت تمایل در طول پنج دقیقه هرچه می‌خواهد پشت یکی از این میکروفونها بگوید.

یکی دیگر از کارها بر روی عکس رادیولوژی، در یک پروسه تصویری تبدیل یک دستگاه پمپ بنزین به انسانی که هفت تیری روی شقیقه ی خود گرفته را به تصویر کشیده است. طرح این موضوع آن هم در بزرگترین کشور صادر کننده نفت کم اهمیت نیست.

"احمد مطر" بدون هیچ ملاحظه ای به مبارزه با شبه ارزشهای دنیای اسلام می‌رود. قسمتی دیگر از کارهای او عکسهایی از شهر مکه است؛ عکسهایی تکان دهنده از یک کلان‌شهر زشت و پوشیده از هتل؛ جایی که در آن دیگر آسمان را نمی‌توان دید؛ شهری که تمام معنویت خود را از دست داده است.

"منال الضویان" یکی از ۹ زنی است که در این نمایشگاه شرکت کرده است. وی در اثر هنری خود از زنان خواسته نام خویش را روی یک دانه بزرگ تسبیح بنویسند. وی از این دانه‌ها، تسبیح بزرگی ساخته است که در جده از سقف سالن نمایشگاه آویخته شده بود و به زمین می‌رسید.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در

ایران را به شدت محکوم می‌کنیم.

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین ۱۳۹۰

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

*بیش از هزار کارگری بر نیشکر هفت تپه طی سه روز، از روز شنبه ۵ فروردین تا روز دوشنبه ۷ فروردین، دست به اعتصاب زده و در محل کمپهای نی بری تجمع کردند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، خواسته اصلی این کارگران اجرای طرح مشاغل سخت و زیان آور و همچنین طرح طبقه بندی مشاغل است.



*کارگران کارخانه خودروسازی شهاب خودرو در روز دوشنبه ۱۴ و سه شنبه ۱۵ فروردین همراه با خانواده هایشان مقابل در این شرکت تجمع کردند. به گزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران، شرکت شهاب خودرو از جمله شرکت‌های خودروسازی است که در طی سال ۱۳۹۰ دچار بحران شد و پرداخت دستمزد کارگران بارها به تعویق افتاد و سپس خط‌های تولید یکی پس از دیگری متوقف گردید و اکنون کارگران این واحد تولیدی دربارتکلیفی به سر می‌برند و هیچ سازمان یا مسئولی برای پاسخگویی در تجمع کارگران حضور پیدا نکرد.

همچنین در روز سه شنبه ۱۵ فروردین این کارگران مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، از ۶۵۰ کارگر اخراجی تعداد ۳۵۰ تن روزمزد و ۳۰۰ تن باقی مانده قرار دادی هستند که هر ۶ ماه یکبار قرار داد کاری شان با کارخانه خاتمه می‌یابد.

*پس از تجمع بی نتیجه کارگران اخراجی شهاب خودرو در مقابل ساختمان ریاست جمهوری در روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، این کارگران صبح روز شنبه ۱۹ فروردین در اعتراض به اخراجشان در آغاز سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» در مقابل وزارت کار، رفاه و تامین اجتماعی تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران اخراجی پیش از عزیمت به تهران، ابتدا در مقابل درب کارخانه تجمع کرده بودند اما در پی بی توجهی به اعتراض آنان، عازم خیابان آزادی شدند و با تجمع در مقابل وزارت کار تعاون و رفاه اجتماعی از وزیر کار و سایر مسئولان درخواست پی گیری دلیل اخراج و بازگشت به کار کردند.

شرکت شهاب خودرو (لیلاند موتورز سابق) که در سال ۱۳۴۲ ایجاد شد و در سال ۱۳۴۴ رسماً شروع به کار کرد، اکنون در مالکیت آستان قدس رضوی است. این شرکت انواع اتوبوسهای شهری، ماشینهای آتش نشانی، زباله کش، لجن کش و تانکرهای آب و سوخت تولید می‌کند. شرکت شهاب خودرو نزدیک به ۹۰۰ کارگر و کارمند رسمی داشته و تعداد بسیار بیشتری به صورت کارگران موقت در استخدام شرکت‌های پیمانکار هستند.

*کارگران نساجی مازندران در روز سه شنبه ۱۵ فروردین، نخستین حرکت اعتراضی خود در سال جدید را با تجمع جلوی در اصلی استانداری مازندران و بستن خیابان اصلی آغاز کردند.

به گزارش مازندنومه، کارگران حدود ساعت ۹:۴۵ دقیقه برای چند دقیقه خیابان اصلی را بستند و مانع عبور و مرور خودروها شدند.

کارگران پارچه نوشته ای را نیز با خود آورده بودند که روی آن نوشته شده بود: «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ۱۴ ماه تلاش، ۶ ماه سکوت، ۲۰ ماه...؟!»

*روز سه شنبه ۱۵ فروردین، دستفروشان میدان گاز سنندج در مقابل شهرداری منطقه تجمع و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، نمایندگان این زحمتکشان با توضیح مشکلات خود و این که چندین سال است که در این مکان مشغول به کار هستند خواهان برگشت به محل کسب خود شدند. شهرداری منطقه با گفتن این که این مسیاله در حیطه اختیارات شهرداری نیست آنها را به استانداری ارجاع داد.

دستفروشان همگی به استانداری مراجعه کرده که جواب منفی مسی ولان باعث شد همه دستفروشان معترض به داخل استانداری رفته و مطالبات خود را با معاون استانداری مطرح کنند. پیگیری و مقاومت دستفروشان باعث شد که شهرداری کل به آنها قول دهد که تا روز یکشنبه ۲۰ فروردین تکلیف آنها را مشخص خواهد کرد و به آنها وعده بازگشت به محل کسب شان را داد.

*تمامی کارگران کارخانه تولید شمش چدن در شرکت ذوب آهن غرب کشور (کوره بلند) واقع در ۷ کیلومتری جاده قروه-اسدآباد، در نخستین روز کاری سال ۱۳۹۱ اخراج شدند. به گزارش ایلنا کارگران این واحد تولیدی روز چهارشنبه ۱۶ فروردین مقابل استانداری همدان تجمع کردند.

نماینده کارگران معترض با بیان این که تعدادی از کارگران اخراجی روز سه شنبه ۱۵ فروردین و چهارشنبه ۱۶ فروردین مقابل استانداری همدان تجمع کرده‌اند، اظهار داشت: در صورتی که وضعیت کاری ما مشخص نشود به تهران آمده و در مقابل مجلس تجمع خواهیم کرد.

*تعدادی از معلمان حق التدرسی و کارکنان شرکتی با در دست داشتن پلاکاردهایی با این مضمون که خواستار حل سریعتر مشکل خود و تعیین تکلیف وضعیت خود هستیم، روز یکشنبه ۲۰ فروردین در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مجلس شورای اسلامی طرح تعیین تکلیف معلمان حق التدریسی را در دستور کار روز یکشنبه ۲۰ فروردین قرار داده بود که با تصویب نمایندگان به جلسه علنی بعدی موکول شد.

*کارگران کارخانه صنایع فلزی ایران صبح روز یکشنبه ۲۰ فروردین به دلیل عدم دریافت مطالبات قانونی شان در مقابل ساختمان ریاست جمهوری تجمع کردند. حرکت اعتراضی این کارگران از روز شنبه ۱۹ فروردین شروع شد. به گزارش خبرنگار ایلنا، کارخانه صنایع فلزی ایران در گذشته بیش از ۱۲۰۰ کارگر داشت که هم اکنون این تعداد به ۸۰۰ نفر رسیده است.

اعتصاب کارگران کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ روز دوشنبه ۲۱ فروردین ادامه پیدا کرد. کارخانه صنایع فلزی ایران در منطقه شادآباد تهران قرار دارد که از مجموع ۷۲۰ کارگر شاغل در دو فاز این کارخانه، ۵۰۰ تن رسمی و مابقی با قرارداد موقت مشغول به کار هستند.

*دو هزار تن از کارگران فصلی «نی بُر» کشت و صنعت کارون شوشتر در اعتراض به عدم محاسبه سنوات بیمه‌ای و افزایش نیافتن دستمزد خود در سالهای گذشته در روز سه شنبه ۲۲ فروردین دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کرده‌اند.

به گزارش ایلنا، تعداد زیادی از کارگران نی بر کشت و صنعت به سن بازنشستگی رسیده اما به دلیل تعویق در پرداخت حق بیمه توسط کارفرما امکان بازنشسته شدن و استفاده از مزایای تامین اجتماعی را ندارند. علاوه بر این سازمان تامین اجتماعی کار این کارگران را جزء مشاغل سخت و زیان آور محسوب نمی‌کند.

*بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعتصاب کارگران کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ که از روز شنبه ۱۹ فروردین آغاز شده روز چهارشنبه ۲۳ فروردین پنجمین روز خود را پشت سر گذاشت.

کارگران کارخانجات صنایع فلزی اعلام کردند تا زمان تحقق خواسته‌هایشان یا حداقل بخش‌هایی از آن، همچنان به اعتصاب و اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

*جمعی از رانندگان کامیونهای باری در محوطه مرزی بازارچه تمرچین پیرانشهر دست به تجمع زدند. براساس گزارش‌های رسیده به آژانس خبری موکریان، صبح روز پنج‌شنبه ۲۴ فروردین، رانندگان کامیونهای باری در اعتراض به نبود فضای مناسب برای تخلیه و بارگیری در محوطه مرزی بازارچه تمرچین پیرانشهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

*در پی اخراج بیش از ۱۵۰ تن از رانندگان ایران خودرو در طی چند روز گذشته، کارگران اخراجی در اعتراض به بیکار سازیها و اخراجهای گسترده روز شنبه ۲۶ فروردین مقابل ایران خودرو مرکزی تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش سایت پیام، کارگران معترض خواستار بازگشت بکار، امنیت شغلی و افزایش دستمزدها مطابق با هزینه‌های یک زندگی در شان انسان و پاسخگویی مقامات رژیم نسبت به سیاست‌های ضد کارگری حاکم بر این صنعت شدند.

*صبح روز شنبه ۲۶ فروردین، بیش از ۱۵۰ تن از کارگران فولاد زاگروس در اعتراض به تعطیلی کارخانه در یک ماه گذشته در مقابل فرمانداری قروه تجمع کرده‌اند. این تجمع در روز یکشنبه ۲۷ فروردین ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، نماینده کارگران که در این تجمع حضور داشت گفت: مدیریت جدید کارخانه با جذب نیروهای غیر بومی که تعداد آنها به ۱۵۰ نفر می‌رسد به کارگران شاغل این کارخانه گفته‌اند فعلا در سر کار خود حاضر نشوند. کارخانه فولاد زاگروس در استان کردستان و در بیست کیلومتری جاده شهر سنندج، در روستای کریم آباد واقع شده است. این کارخانه از سال ۱۳۸۲ به بهره‌برداری رسید و بزرگترین پروژه صنعتی استان کردستان به شمار می‌رفت. تولید سالیانه آن ۷ هزار تن چدن خام است.

*جمعی از کارگران اخراجی نساجی کردستان در روز یکشنبه ۲۷ فروردین مقابل اداره کار و تامین اجتماعی رژیم در سنندج دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران اخراجی نساجی کردستان در اعتراض به عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و کارشکنی مقامات اداره کار و تامین اجتماعی در مورد بازنشستگی این کارگران، در مقابل این اداره تجمع اعتراضی برپا کردند.

*به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، روز یکشنبه ۲۷ فروردین کارگران اخراجی موسسه یونس وابسته به قرارگاه خاتم الانبیا که در پروژه سد بنیر در قسمت تونل توار مشغول به کار بوده‌اند مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع اعتراضی زدند.

*حدود ۸۰۰ کارگر و بازنشسته کارخانه صنایع فلزی ایران روز دوشنبه ۲۸ فروردین در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۸ ماه حقوق و بیمه معوقه، در مقابل وزارت صنایع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، نماینده کارگران معترض گفت: وزارت صنایع کارفرما را متعهد به پرداخت مطالبات قانونی کارگران کرده است اما در حال حاضر کارفرما به بهانه این که سرمایه دار اصلی جهت پرداخت مطالبات کارگران تامین مالی نکرده از انجام تعهد خود طفره می‌رود.

*به گزارش خبرگزاری فارس، اعضای تعاونی مسکن منطقه ۱۷ تهران نسبت به عملی نشدن وعده‌های داده شده مبنی بر حل مشکلات تا ۱۵ فروردین ۱۳۹۱، صبح روز پنجشنبه ۳۱ فروردین در مقابل اداره تعاون استان تهران در خیابان سپهبد قمری تجمع اعتراضی آمیز برگزار کردند.

اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه درباره آزادی ابراهیم مددی

ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با پایان دوران محکومیت آزاد شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آزادی ابراهیم مددی را به خانواده، اعضای سندیکا و کلیه فعالان کارگری تبریک گفته و امیدوار است هر چه زودتر شاهد آزادی رضا شهابی دیگر عضو زندانی خود باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
فروردین ۱۳۹۱

بیانیه جمعی از کارگران عسلویه به مناسبت اول ماه مه

پیش به سوی اول ماه مه!

ما کارگران پروژه ای نفت و گاز همچون دیگر کارگران امسال را در حالی آغاز کرده ایم که فقر و تنگدستی زندگی ما را هرچه بیشتر تحت فشار قرار داده است. از ابتدای سال کارگران بسیاری از کار اخراج شده اند. کارگران شهاب خودرو نمونه بارز آن است. تورم بالای بیست درصد کمر ما را شکسته است، در طی سال گذشته نرخ برابری ارز با ریال به شدت تغییر کرده و قدرت خرید ما را نصف کرده است.

سال گذشته همچون سالهای گذشته فعالان کارگری و کارگران آگاه تحت فشار بوده و زندان خانه دوم آنان گردیده است. هرگونه اعتراض کارگران به شدیدترین وجه سرکوب شده است.

در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر اخبار بدی را نیز می شنویم؛ رضا شهابی یکی از فعالان خوش نام کارگری به شش سال زندان محکوم شده است، فقط به جرم دفاع از حقوق همکاران خود بایستی بهترین سالهای عمر خود را در زندان سپری کند.

سایه بیکار سازی حتی ما را نیز که شالوده اقتصاد ایران که وابستگی شدید به نفت دارد را می سازیم تهدید می کند. هم رزمان عزیز بیایید مبارزه ای متحدانه را برای گرفتن حقوق اولیه انسانی که همانا کار و دستمزد متناسب با یک زندگی انسانی است به پیش ببریم. تنها با اتحاد بین همه کارگران ایران و جهان است که می توانیم حقوق اولیه خود را بدست آوریم.

مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر را امسال هرچه باشکوه تر در سراسر ایران برگزار کنیم.

پیش به سوی ایجاد تشکلهای مستقل کارگری

۲۸ فروردین ۱۳۹۱

جمعی از کارگران عسلویه، کنگان و کارگران پروژه ای نفت و گاز
منبع:سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

گونگون

تاریخ سر زمین ما

هوشنگ بهار

تاریخ سر زمین ما از یک غده چرکین رنج می برد و عصیانگرانه و با جسمی مجروح با این هیولا در گیر نبرد است. از آن جا که این درد ریشه های عمیقی دارد، درمان آن را دچار مشگل کرده و راههای مقابله با آن پرسش برانگیز است. این افیون با برنامه ریزی و بر بستر ویرانه های گذشته و با حمایتهای استعماری سوار بر خر مراد شد. این افیون با برنامه ریزی و بر بستر ویرانه های گذشته و با حمایتهای استعماری سوار بر خر مراد شد.

شکل گیری جمهوری اسلامی، بر میراثهای چرکین و جو از دیرباز آستن توحش و تفکرات ارتجائی که بر مجموعه ای از خرافات مذهبی، رمل، جادو، تزویر و دروغ متکی است همواره از جانب بخش انگلی، مفتخور و جاحوش کن در تمامی سیستمهای مستبد گذشته مورد حمایت تمام عیار بوده است.

تمامی سیستمهایی که در آن مذهب نقش اصلی را بازی می کند از این قاعده مستثنا نیستند و تا زمانی که با این غده از راههای درست و از طریق بیداری و رشد فرهنگی برخورد نشود همواره در بر همین پاشنه می چرخد. زنده یاد احمد کسروی به درستی گفته بود که ملت ایران یک حکومت اسلامی به آخوندها بدهکار است. این سخن از متفکری نقل م

یشود که خود ریشه در روحانیت داشته و با رسیدن به بلوغ سیاسی و آگاهی، از این لجنزار با شهامت عبور می کند و نقاب از چهره این واعظان دروغ و ریا بر می دارد. فرجام این روشنفکر پیشرو همان شد که شاه و شیخ می خواستند. پرشور ترین حرکت مردمی در سال ۱۳۵۷ به دلیل نبود آگاهی کافی و فقدان رهبری، به قول زنده یاد غلامحسین ساعدی ملا خور شد و این همان پیشبینی بود که کسروی به درستی به آن اشاره کرده بود.

تاریخ ما سرشار از جانبازیها و حماسه های قهرمانانی است که از بدو پیدایش این غده تا به امروز برای آزادی و آگاهی به خاک افتاده اند و در گلزار تاریخ آرمیده اند.

امروزه این دکان فریب، ریا و دروغ با تکیه بر ثروت و منابع کشور و با استفاده از پیشرفت تکنولوژی به سرکوب بسیار گسترده مردم دست می زند. در حالی که مردم ایران در فقره سر می برند، حکومت در کشورهای دیگر برای ساختن مسجد، بیمارستان، اتوبان و البته آموزش تروریست هزینه می کند.

امثال مالکی، چاورز و اسد در گوشه و کنار جهان کم نیستند. اینها با هزینه های گسترده مالی برای یک رای به نفع رژیم خونریز ایران از سفره مردم ایران می خورند. البته حنای آخوندها خیلی رنگ باخته و رژیم ولایت فقیه از همه ظرفیتهای و ابزارهای پوسیده و تاریخی خود استفاده کرده و اکنون کاملا خلع سلاح شده است.

این در حالیکه مقاومت همواره وجود داشته و حکومت جوانان بسیاری را از ما گرفته است، سرمایه هایی که دیگر هرگز به ما بر نمی گردند، دلیرانی که آتش به جان این باند وحشی انداختند و با نثار جان خود افقهای روشن فردا را نوید دادند.

امروز ما باید صدای رسائی باشیم، رساتراز گذشته و مساله اصلی این جانیان که همان ادعاهای شوم فرهنگی است را بیشتر مورد توجه و برای بیداری و آگاهی و رهایی از این افیون که درد اصلی و سد راه پیشرفت و جامعه است را جدی تر به چالش بگیریم.

بیهوده نبود که خمینی در اولین اقدامات خود مراکز اصلی جنبش و انقلاب را برای بر ملا نشدن لجنزار اندیشه های ارتجاعی اش مورد تهاجم قرار داد.

تمامی اندیشمندان بزرگ در این نظر که مسبب همه نابسامانیها و عقب ماندگیهای هر جامعه به سطح شعور آن جامعه بستگی دارد هم عقیده هستند. این وظیفه همه آزادیخواهان و همه کسانی که قلم می زنند است که فرهنگ و سلاح اصلی این دقلکاران را نشانه روند. تازمانی که مردم ما به عمق این فاجعه پی نبرند، که البته درصد بالائی به این درک رسیده اند، برای رسیدن به قله های فتح باید جرات ایستادگی را نوید داد. افشای یاهو های پوچ و قبرهای خالی از مرده این رمالان از رونق افتاده و اعتبار از دست داده وظیفه امروز ماست و برای این وظیفه باید سازماندهی کرد. اصلی ترین نقشی که پیشاهنگ در این شرایط باید بر عهده بگیرد سازماندهی است. بحرانها و مشکلات بیشمار رژیم، شرایط را برای انفجار آماده می کند و برای رساندن این کشتی به ساحل نجات نیاز به آگاهی و سازمانیابی است.

فروردین ۹۱

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

تجلیل تمامیت فرانسه از ریموند اوبراک قهرمان بزرگ مقاومت ضد فاشیستی



مراسم تشییع پیکر ریمون اوبراک با حضور خانواده اش، رئیس جمهور فرانسه نیکلا سارکوزی، کاندیدای پیشرو انتخابات ریاست جمهوری فرانسوا اولاند، سایر کاندیدها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی فرانسه از همه گرایشها و احزاب و هم چنین با حضور همزمان اوبراک و قهرمانان بازمانده مقاومت ضد فاشیستی، اقشار مختلف مردم فرانسه با شکوه بسیار و آکنده از قوی ترین احساسات مبارزاتی و میهن پرستانه برگزار شد.

از سوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران هیأتی در این مراسم شرکت داشتند و پیام تسلیت و همبستگی مریم رجوی را به خانواده و یاران و همزمانش ابلاغ کردند.

خانم رجوی در پیام تسلیت خود به روح ریموند اوبراک بزرگ، و همسر قهرمانش لوسی اوبراک درود فرستاد و با تقدیر از همبستگی آنها با مقاومت مردم ایران در برابر فاشیسم مذهبی حاکم تاکید کرد، بدون شک یاد ریموند و لوسی اوبراک در تاریخ فرانسه، در تاریخچه مقاومت مردم ایران برای آزادی و بر تارک مبارزات بشریت معاصر علیه فاشیسم و دیکتاتوری، همواره خواهد درخشید.

مراسم تشییع پیکر ریموند اوبراک در پاریس ۱۶ آوریل ۲۰۱۲ (۲۸ فروردین ۱۳۹۱) با ادای احترامات و آیینهای رسمی، با احساسات برانگیخته چند نسل از فرانسویان و در میان سرودهای مبارزاتی پارتیزانهای مقاومت ضد فاشیستی برگزار شد. ریموند اوبراک از برجسته ترین قهرمانان و فرماندهان ارشد مقاومت ضد فاشیستی فرانسه، که از حامیان مقاومت ایران در برابر فاشیسم دینی بود، سه شنبه شب ۱۰ آوریل ۲۰۱۲ (۲۲ فروردین ۱۳۹۱) در سن ۹۷ سالگی در پاریس درگذشت. ریموند اوبراک، از بنیانگذاران جنبش «آزادی جنوب فرانسه» و از همسنگران و همزمان ژان مولن رئیس شورای ملی مقاومت فرانسه بود.

اوبراک در سالهای بعد از آزادی فرانسه، مسئولیتهای مختلفی برای بازسازی کشورش به عهده گرفت و از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۵ میلادی، ریاست فائو، سازمان کشاورزی و خوار و بار جهانی وابسته به سازمان ملل متحد را به عهده داشت.

همسر او خانم لوسی اوبراک نیز از قهرمانان مقاومت ضد فاشیستی فرانسه و از یاران مقاومت ایران بود که ۵ سال پیش در سن ۹۲ سالگی درگذشت.

جنبش تحت هدایت ریموند اوبراک و لوسی اوبراک که در جنوب فرانسه فعالیت می کرد و مرکز آن در شهر لیون بود، سلسله عملیات دلاورانه بی را علیه مزدوران گشتاپو هیتلر و سرسپردگان داخلی آنها با موفقیت به اجرا گذاشت که وحشت زیادی در صفوف دشمن ایجاد کرده بود.

ریموند اوبراک در ژوئن ۱۹۴۳ در بحبوحه جنگ جهانی دوم و مقاومت ضد فاشیستی در فرانسه، همراه با ژان مولن رئیس شورای ملی مقاومت فرانسه، توسط مزدوران گشتاپو و قوای هیتلر دستگیر شد، اما لوسی اوبراک، با دیگر رزمندگان مقاومت فرانسه مصمم شدند وی را از چنگال دشمن برهانند و یک گروه ۱۴ نفره از رزمندگان مقاومت به اتفاق لوسی اوبراک پس از طراحی یک عملیات دقیق و متهورانه، به یک ستون ارتش هیتلر که مأموریت انتقال ریموند اوبراک را به عهده داشت، حمله کردند و با درهم شکستن ستون، ریمون اوبراک را نجات دادند و داغی بر دل هیتلر و عوامل دست نشانده آنها گذاشتند. این عملیات در زمره یکی از با شکوهترین عملیات مقاومت ضد فاشیستی فرانسه به ثبت رسید و دهها سال بعد در دهه ۹۰ میلادی یک فیلم سینمایی با اقتباس از همین علمیات و نقش لوسی اوبراک ساخته شد.

ریموند اوبراک و لوسی اوبراک از شخصیتهای برجسته و محبوب فرانسوی بودند که به حمایت از مقاومت مردم ایران برای آزادی، برخاستند.

پیام به کنگره سراسری احزاب یارسانی

با درودهای فراوان،
خانمها، آقایان، دوستان و یاران گرامی،
برگزاری کنگره سراسری احزاب یارسانی (یاریکورد و جنبش دموکراتیک یارسان) را به شرکت کنندگان در کنگره و به همه فعالان احزاب یارسانی تبریک و شادباش می گویم و برای تلاشهای شما در مبارز علیه رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه موفقیت آرزو می کنم.

کنگره شما در شرایطی برگزار می شود که رژیم حاکم بر ایران از همه ابزار سرکوبی و فریب برای حفظ امنیت رژیم و برای اعمال ستم و تبعیض بر مردم سراسر ایران استفاده می کند. سرکوبی و صدور بنیادگرایی اسلامی از مشخصات اصلی نظام حاکم بر ایران است. جمهوری اسلامی با نهادینه کردن تبعیض جنسیتی، ملی، قومی و مذهبی در تقابل با خواسته های برحق همه مردم ایران قرار گرفته است.

رژیم ولایت فقیه می کوشد تا با مزورانه ترین شیوه ها از تحولاتی که به نام بهار عرب معروف شده است به سود خود بهره برداری کند و همزمان با تمام قوا در سرکوب قیام مردم سوریه مشارکت می کند.

امروز مبارزه با رژیم ولایت فقیه و همه باندها و دسته بندیهای درونی آن به کانون اصلی مبارزه مردم سراسر ایران تبدیل شده است. به گمان ما خواست عمده مردم ایران در این مرحله سرنگونی رژیم ولایت فقیه و تحقق دموکراسی و یک جمهوری مبتنی بر جدایی دین از دولت و الغای هرگونه تبعیض جنسیتی، ملی، قومی و مذهبی است. برای کنگره شما در تحقق این مسیر موفقیت آرزو می کنم.

سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
مهدی سامع
چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۱ (۴ آوریل ۲۰۱۲)

بی خانمان سازی و جابه جایی اجباری ساکنان اشرف با فشار و تهدید

برای انتقال دیگر ساکنان به لیبرتی بدون حداقلهای انسانی و با شکنجه معلولان و مجروحان

فراخوان خانم رجوی به آقایان اوباما و بان کی مون برای جلوگیری از یک تراژدی انسانی علیه ساکنان اشرف به خصوص ۱۰۰۰ زن و بازداشتن عراق از جابه جایی اجباری آنان که «حفاظت شده» تحت کنوانسیون ژنو هستند و آمریکا در قبال حفاظت آنها به طور رسمی مسئولیت پذیرفته و کمیساریای عالی پناهندگان آنها را پناهجو و «افراد مورد نگرانی» می داند.

در حالی که تنها ۴۸ ساعت از انتقال چهارمین گروه ساکنان اشرف تحت فشارها و محدودیتهای طاقت فرسا می گذرد و در شرایطی که حداقل وسایل آنها قرار است روز چهارشنبه ۳۰ فروردین به لیبرتی منتقل شود، دولت عراق با فشار و تهدید در صدد است پنجمین گروه از ساکنان اشرف را به لیبرتی منتقل کند. این، برخلاف یادداشت تفاهم امضا شده بین دولت عراق و ملل متحد در روز ۲۵ دسامبر ۲۰۱۱، تأکیدهای دبیرکل ملل متحد از جمله در گزارش به شورای امنیت در ۲۹ مارس ۲۰۱۱ و اظهارات مکرر نماینده ویژه دبیرکل از جمله در اجلاس شورای امنیت در ۱۰ آوریل ۲۰۱۲، هرگز یک جابه جایی داوطلبانه نیست.

مخیر کردن ساکنان بین کشته شدن یا ترک خانه و شهری که در ربع قرن با انرژی و هزینه خود ساخته اند و انتقال به زندانی به نام لیبرتی بدون حداقلهای انسانی، چیزی جز بی خانمان سازی و تخلیه اجباری و نقض وخیم مفاد حقوق انساندوستانه و حقوق بشر بین المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون چهارم ژنو، پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بسیاری دیگر از معاهدات بین المللی نیست و از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت به حساب می آید.

هر چند انتقال هیچیک از گروههای اول تا سوم تحت شرایط مطلوب و با حداقلهای انساندوستانه و حقوق بشری انجام نشده است، اما انتقال گروه چهارم از هر نظر غیرقابل قبول و با اذیت و آزار ساکنان همراه بود.

در یک اقدام ضد انسانی، نیروهای عراقی از انتقال خودروها و بنگالهای ویژه معلولان و مجروحان با سرویسهای بهداشتی، که متناسب با شرایط آنها ساخته شده و سالها با آن آدایته شده اند، ممانعت کردند. مراجعات مکرر نمایندگان ساکنان به نیروهای عراقی و مقامهای ملل متحد و مقامات آمریکایی نیز به جایی نرسید و به همین خاطر ۱۰ تن از معلولان و مجروحان شدید که در گروه چهارم بودند، مجبور شدند در اشرف باقی بمانند.

آنها جزو کسانی هستند که لیست آنها برای انتقال سریع تر به کشورهای ثالث از دو سال پیش در اختیار ملل متحد و آمریکا قرار داده شده بود و اگر کارشکنیهای دولت عراق نبود بسیاری از آنان تاکنون منتقل شده بودند. این دولت پروسه بازتأیید پناهندگی آنها را مانند بقیه ساکنان در گروه انتقال به لیبرتی گذاشته و در عین حال از انتقال وسایل ضروری آنها جلوگیری می کند. این یک شکنجه فیزیکی و روانی و نقض همه موازین حقوقی، بین المللی، اخلاقی و دینی است.

چهارمین گروه از انتقال بخش عمده اموال منقولشان ممنوع شدند. از جمله در نقض توافقات پیشین (نامه ۱۵ فوریه نماینده ویژه) اجازه انتقال ۱۰ خودروی مسافری هم به آنها داده نشد. مقامات ملل متحد و مقامات عراقی بعد از گفتگوهای متعدد تأیید کرده بودند گروه چهارم شش زنراتور به لیبرتی ببرند، اما در عمل تنها اجازه انتقال دو زنراتور را یافتند. دولت عراق به هیچ قول و قراری پایبند نیست و حتی مواد یادداشت تفاهمی را که بدون اطلاع و نظر ساکنان با ملل متحد امضا کرده و فاقد بخش عمده حداقل خواستههای ساکنان است، یکی بعد از دیگری نقض می کند. جلوگیری از انتقال اموال در حالیست که دولت عراق در مقابل فروش آنها نیز کارشکنی می کند و به تجاری که مایل به خرید هستند اجازه ورود به اشرف را نمی دهد و تلاشهای یونانی در این رابطه بی نتیجه مانده است.

ساکنان اشرف در شرایطی برای انتقال به لیبرتی تحت فشار قرار دارند که پس از ورود چهارمین گروه، این کمپ با بحران جدی آب، برق، فاضلاب و دیگر مینیمهای انسانی مواجه است و دولت عراق نه تنها این مشکلات را حل نمی کند بلکه تقاضاهای مکرر ساکنان برای حل آنها با هزینه خودشان رد شده و حتی به ساکنان اجازه داده نشده که برای رفت و آمد بیماران و سالمندان، در کمپی که به طور کامل سنگلاخ است، راههای آسفالت یا سیمانی درست کنند، یا با شروع فصل گرما و بیرون آمدن مارها و حیوانات و حشرات موذی کمپ را سمپاشی کنند. ۴۰ روز است دولت عراق با امروز و فردا کردن از وارد کردن مواد ضروری برای سمپاشی جلوگیری می کند. در همین حال دولت عراق نه تنها نامه ۱۶ مارس نماینده ویژه در مورد استقرار پلیس را اجرا نکرده، بلکه کیوسکهای جدید پلیس نیز در کمپ نصب کرده است.

خانم مریم رجوی، رئیس جمهوربرگزیده مقاومت ایران، با قویترین اعتراض نسبت به اعمال فشار بر ساکنان اشرف و لیبرتی و فقدان استانداردهای انساندوستانه و حقوق بشری در لیبرتی، از آقای اوباما رئیس جمهور آمریکا و دبیرکل بان کی مون می خواهد از وقوع یک تراژدی در مورد ساکنان به ویژه ۱۰۰۰ زن جلوگیری کنند و دولت عراق را از اقدامهای سرکوبگرانه علیه کسانی که به طور کامل «حفاظت شده» تحت کنوانسیون ژنو هستند و دولت آمریکا در قبال حفاظت آنها به طور رسمی مسئولیت پذیرفته است و به آنها کارت «Protected Person» داده است و کمیساریای عالی پناهندگان در اطلاعیه های متعدد از جمله در اول فوریه، اول و ۲۸ مارس ۲۰۱۲ آنها را پناهجویان تحت حفاظت بین المللی و «افراد مورد نگرانی» توصیف کرده است باز دارد و از جابه جایی اجباری آنها در حالی که حداقلهای انسانی، مورد توافق دولت عراق قرار نگرفته و اجرا نشده است، جلوگیری کند. بدون تردید در مقابل هر آسیبی که به ساکنان اشرف و لیبرتی وارد شود دولت آمریکا مسئول است و در هیچ مرجع سیاسی و حقوقی نمی تواند از خود سلب مسئولیت کند.

دبیر خانه شورای ملی مقاومت ایران

۳۰ فروردین ۱۳۹۱ (۱۸ آوریل ۲۰۱۲)

بیانیه کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد درباره تعیین موقعیت پناهندگی ساکنان کمپ اشرف

کمیسیاریای عالی پناهندگان ملل متحد

بیانیه به روز شده شماره ۳

ساکنان کمپ اشرف و تعیین تکلیف موقعیت پناهندگی آنان

• در ۱۸ فوریه ۲۰۱۲، اولین گروه ۴۰۰ نفری از ساکنان بصورت مسالمت آمیز توسط دولت عراق به کمپ لیبرتی منتقل شدند. نظارت بر این جابجایی توسط یونانی در عراق انجام شد. جابجایی های بعدی از جمله دو گروه ۴۰۰ نفره دیگر هم انجام شده اند. در هفته های آینده انتقال گروههای دیگر انتظار می رود.

• در ۱۹ فوریه ۲۰۱۲، کمیساریا پروسه بررسی را شروع کرد و این پروسه ادامه دارد. کمیساریا تیم های زیادی را بسیج کرده و امکانات لازم به لحاظ نرم افزار و سخت افزار را در محل مستقر کرده است. مصاحبه های انفرادی در محل امن و بی طرف بطور محرمانه انجام می شود. تصمیم ها در مورد استاتوی پناهندگی و پیشنهادات به کشورهای ثالث در جریان است.

• خواسته دولت عراق کماکان این است که این پروسه ها خارج از اشرف انجام شود. کمیساریا اهمیت زیادی برای یافتن راه حل های مسالمت آمیز قائل است، از جمله اینکه هرگونه جابجایی باید داوطلبانه و با آزادی تردد در محل جدید باشد که شایسته ترین وضعیت است.

• ساکنان اشرف که درخواست های پناهندگی خود را ارسال کرده اند، رسماً طبق قوانین بین المللی پناهجو هستند و درخواستنامه های آنها تحت بررسی است. در نبود یک سیستم ملی بررسی در عراق، کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، درخواستنامه ها را با یک روش منصفانه و درست بررسی میکند. هر پرونده انفرادی براساس مبانی آن و طبق قوانین بین المللی قضاوت خواهد شد.

• قوانین بین المللی الزام آور میکنند که پناهجویان باید از حفاظت های بنیادین امنیت و سلامت برخوردار باشند. این از جمله شامل حفاظت علیه هرگونه اخراج و یا بازگشت داده شدن به مناطقی است که جان یا آزادی آنها در خطر باشد (اصل نان رفولمان).

• کمیساریا، با دولت عراق و یونامی و طرف های ذینفع دیگر که نگران موضوع هستند، به پیدا کردن راه حل برای این مشکل طولانی مدت از جمله بازتایید پناهندگی کسانی که با کشورهای دیگر ارتباطاتی دارند و همچنین اعزام و انتقال به کشورهای ثالث، متعهد است.

کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد

چهارشنبه ۹ فروردین ۱۳۹۱ / ۲۸ مارس ۲۰۱۲

فراسوی خبرها.....

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

جام زهر و هویج اردوغان در سفر به تهران

جعفر پویه

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۱۰ فروردین

روز گذشته (چهارشنبه) رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه در راس یک هیات بلند پایه وارد تهران شد. اردوغان پس از پایان نشست امنیت هسته ای در سوول و دیدار با باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا به این سفر آمده است. بحران هسته ای و مساله سوریه از مهمترین محورهای گفتگوی اردوغان با پایوران رژیم اعلام شده است.

در حالیکه ترکیه تلاش دارد تا ابتکار عمل سیاسی را در منطقه به دست آورد، رژیم جمهوری اسلامی گرفتار بحران بین المللی خود ساخته، روز به روز نیازش به ترکیه بیشتر شده و از این راه موقعیت منطقه ای ترکیه بیش از گذشته مهم تر خواهد شد. هرچند بحث بر سر محل برگزاری نشست هسته ای پیش رو بین رژیم و ۱+۵ در استانبول یکی از موضوعات چشمگیر این دیدار است، اما واقعیت این است که اختلاف بین ترکیه و رژیم بر سر برخورد با رژیم سوریه می تواند مهمترین محور این دیدار برآورد شود.

بحث بر سر سوریه و حمایت ترکیه از اپوزیسیون آن و حمایت همه جانبه رژیم از بشار اسد و موقعیت استراتژیک سوریه برای آن یک طرف این ماجراست. اما طرف دیگر، نیاز رژیم به آنکارا برای دور زدن تحریمها و تنها دریچه باقیمانده برای تبادل پولی و اقتصادی با جهان، آنقدر موقعیت ترکیه را چشمگیر کرده است که هرگونه شکست اردوغان در این سفر می تواند، رژیم را در برابر یک وضعیت بسیار سخت قرار دهد. باز بودن ارتباط تجاری بانکهای ترکیه به سوی رژیم، ثبت و گشایش تعداد زیادی از شرکتهای صوری رژیم در این کشور و همچنین خرید گاز ایران توسط ترکیه از موقعیتهایی است که رژیم نمی تواند آنها را نادیده بگیرد. همچنین، تلاش ترکیه برای جلب رضایت آمریکا و اروپا در بیرون بودن از تحریمهای یک جانبه علیه رژیم، جاذبه ترکیه برای آن را بیشتر می کند.

با این وضعیت، عدم توافق بر سر برخورد با سوریه و یا عدم امتیاز دهی رژیم می تواند این جاذبه های ترکیه را دور از دسترس کرده و شکستی دیگر بر دیپلماسی شکننده آن وارد کند. همراه داشتن وزیر امور خارجه، وزیر اقتصاد، معاون سازمان اطلاعات ملی و رییس سازمان انرژی اتمی توسط اردوغان، اهمیت این سفر برای ترکیه را گوشزد می کند. هرچند اردوغان در این سفر دو روزه قرار است دیدارهایی با محمود احمدی نژاد، محمد رضا رحیمی، معاون اول او و علی لاریجانی داشته باشد، اما دیدار مستقیم و یا غیر مستقیم او با خامنه ای یا نمایندگان او برای تعیین تکلیف نهایی برای توافق، از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

با این حساب، سفر اردوغان نه یک سفر تجاری یا دیپلماتیک منطقه ای بلکه، سفری است که او در یک دست هویج ارتباط با جهان و در دست دیگر جام زهر موقعیت سوریه را همراه دارد. جمهوری اسلامی و پایوران آن با این جام زهر و هویج چگونه برخورد خواهند کرد؟

شلیک خمپاره بر زندان «آزادی» محکوم است

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۱۱ فروردین

در آستانه برگزاری اجلاس سران کشورهای عربی در بغداد، صبح روز چهارشنبه ۹ فروردین یک گلوله خمپاره در یک کیلومتری جنوب غربی کمپ لیبرتی، محل جدید برای استقرار ساکنان کمپ اشرف، فرود آمد. اطلاعیه شورای ملی مقاومت ایران به تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۹۰، با اعلام خبر شلیک خمپاره و در پی آن ایجاد آتش سوزی بر فضای کمپ لیبرتی، بر عدم امنیت جان ساکنان این کمپ تاکید ورزیده است. رویدادهای چند ماهه گذشته در کمپ اشرف و تصمیم به انتقال به اصطلاح داوطلبانه و در حقیقت اجباری بیش از ۳۰۰۰ تن از مجاهدین خلق، بار دیگر بر اجرای اوامر رژیم ایران توسط دولت عراق صحنه می گذارد. جرم ساکنان کمپ اشرف این است که بیش از سه دهه در برابر استبداد ولایت فقیه سربلندانه ایستادند و تسلیم نشدند.

بر اساس تمامی شواهد و گفته های چهره های سرشناس عراقی، آمریکایی، اروپایی و... از وکلا و حقوقدانان تا کارشناسان نظامی، کمپ لیبرتی از استانداردهای اولیه زندگی محروم و به زندانی نه بزرگ بلکه زندانی با مساحت کوچک شبیه است. حضور دائمی پلیس مسلح به تیربار در کنار محل زندگی ساکنان و کنترل آنان همراه با فشارهای روانی و محرومیت از درمان، بهداشت، دیدار با وکلا و... زندگی در یک زندان را به رزمندگان آزادی تحمیل کرده است.

از همان ابتدا سیاست رژیم ایران در مورد ساکنان شهر اشرف که به دولت عراق دیکته شده، تسلیم یا گشته شدن بود. ساکنان اشرف مقاومت را در برابر تسلیم برگزیدند و بابت این انتخاب هزینه های زیادی را متحمل شدند. تصمیم به جابه جایی به اصطلاح داوطلبانه، یک راه حل بین المللی بود که به میزانی می تواند سیاست کشتار را خنثی کند. این راه حل اگر همراه با رعایت استانداردهای حقوق انسانی باشد، با تلاش نهادهای حقوق بشری در جهت جلوگیری از کشتاری دیگر همسو است. اما رویدادهای پیش آمده نشان می دهد که حتا نهادها و ارگانهایی که خود را موظف به حفظ جان ساکنان کمپ اشرف می دانند، از توطئه های رژیم و دولت عراق اطلاعی ندارند یا منافعشان در بستن چشمهایشان است. تحمیل زندگی در محیط نا امن و شرایط غیر انسانی به ساکنان کمپ آزادی، محکوم است. شرایط محل جدید و پذیرش زندان شدن کمپ، فرصت را برای شلیک خمپاره های دیگر آماده می سازد. همان خمپاره هایی که می تواند به کشتار ساکنان کمپ لیبرتی منجر شود.

طرح رفسنجانی، بیانیه رسمی به بُن بست رسیدن رژیم است

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۹ فروردین

خط و مرزهای یک رویکرد حساس پیرامون چگونگی برخورد به بحران مناسبات خارجی، در حال گذر از میان دستگاه قدرت جمهوری اسلامی و رسوب در مرکز رویدادهای آن است. آقای اکبر رفسنجانی، فرد شماره دو پیشین "نظام" با طرح بحث "رابطه با آمریکا"، نه تنها خود بلکه، این موضوع را نیز به جلوی صحنه سیاست زیر "خیمه نظام" رانده است. از همین رو، واکنشهایی که ابتکار سیاسی وی برانگیخته در همان حال که جوهره ی موضوع را در تیررس قرار می دهد، زاویه داخلی آن که ارتباط بی واسطه ای به جدالهای درون دستگاه قدرت می یابد را نیز پیش زمینه خود دارد. این واقعیت، ابهامی که پیرامون سرچشمه طرح آقای رفسنجانی وجود دارد را به انگیزه اصلی و عامل محرک مخالفت با آن نیز گسترش داده است.

با توجه به پروسه غیر شفاف سیاست سازی در جمهوری اسلامی و دیپلماسی توطیه گرانه و ناهمگون آن که به همین دلیل اصلی ترین ویژگی آن را سری بودن تشکیل می دهد، به دُرستی نمی توان بحثی که رییس مجمع تشخیص مصلحت به جریان انداخته را یک گفتمان سازی از نوع "جام زهر" و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ یا شورش علیه خط رسمی ارزیابی کرد. با این همه اما چنین می نماید که مساله اصلی در این تحوّل آن چیزی نباشد که در درون دستگاه قدرت می گذرد، بلکه فاکتورهایی است که بیرون از آن عمل می کند و به گونه نیرومندی در حال تاثیرگذاری بر آن است.

هر گاه "نظام" در برابر تحریمهای فلج کننده نفتی و مالی، بحران فاجعه بار اقتصادی، انزوای بین المللی، قرار گرفتن بر لبه پرتگاه سوریه و از دست دادن نفوذ خود بر گروه های بنیادگرای فلسطینی راه حل یا دستکم گریزگاهی برای فرار می داشت، هرگز سُخنگویی برای بیان وضعیت موجود - با هر انگیزه ای - نیز نمی یافت.

به همین گونه، اگر دستگاه قدرت رژیم ولایت فقیه با ضربه ی سنگین تحریم نمایش انتخابات روبرو نمی شد و اکثریت جامعه، بسته شدن حیات سیاسی آن به موی مشروعیت فاسد پلیسی - امنیتی را یادآور نمی گردید، رییس "پراگماتیست" مجمع، سوراخ دُعای "مذاکره با آمریکا" را مصلحت آن تشخیص نمی داد.

طرح آقای رفسنجانی، بیانیه رسمی به بُن بست رسیدن رژیم جمهوری اسلامی است، حال چه تصمیم به اعلام آن اقدامی هماهنگ شده باشد یا اینکه شکاف در هرم قدرت بر سر خط غالب را بازتاب دهد.

گشایش حراج نفتی این بار در هندوستان

منصور امان

فراسوی خبر... ۲۶ فروردین

جستجوی خریدار برای نفت تحریم شده، آقای علی خامنه ای و همدستانش با حرص و هیستری افزون شده ای دست به حراج سرمایه طبیعی مردم ایران زده اند. در همین رابطه روزنامه اقتصادی فایننشیال تایمز گزارش می کند که پایوران جمهوری اسلامی برای فروش نفت با شرایط فوق العاده و حراجی، در کشورهای آسیایی به دوره گردی پرداخته اند. منبع مزبور می نویسد که رژیم ولایت فقیه به هندوستان که پس از چین بزرگترین مشتری نفت آن است، پیشنهاد داده که می تواند صورت حساب خریدهای نفتی خود را تا شش ماه پرداخت نکند و افزوده بر آن، برای مبلغ کلانی که در این مدت نزد هند باقی خواهد ماند نیز هیچ بهره ای درخواست نخواهد کرد.

برای هندوستان این گشاده دستی از کیسه دیگران، فقط در معامله نفتی برابر با کسب یک سود تا ۹ دلار در هر بُشکه است و در بازار سرمایه گذاری، سود پول پرداخت نشده را چندین برابر این رقم می توان تخمین زد. این در حالی است که حاکمان ایران یارانه کالاهای اساسی همچون نان و گوشت و روغن را زیر عنوان "صرفه جویی" حذف کرده اند و به بهانه ی نداشتن بودجه از انجام تعهدات خود در برابر میلیونها کارورز طفره می روند.

ماه گذشته یک وبگاه نزدیک به آقای رفسنجانی یک معامله مشابه نفتی که با چین صورت گرفته است را فاش ساخته بود. براساس گزارش وبگاه "آینده"، حکومت نه تنها موافقت کرده که چین بهای نفت خریداری شده را به جای پرداخت در بانکهای خود نگه دارد، بلکه به پکن اختیار مدیریت و کارپردازی آن را نیز بخشیده است.

خبر تلاش خانمان برانداز اخیر رژیم جمهوری اسلامی برای فرار از پیامدهای بحران مناسبات خارجی خود، زمان کوتاهی پیش از آغاز گفت و گوهایی انتشار یافته است که با هدف بررسی راه های پایان دادن یا تخفیف این بحران در استانبول برگزار می شود.

ترفند آقای خامنه ای و شرکا، علامت خوبی از قصد آنها به برخورد با سرچشمه گرفتاریهای شان نیست. حاکمان جمهوری اسلامی به جای اندیشه به راه حل برای مشکلاتی که نصیب کشور و مردم کرده اند، همچنان به فکر تقلب، زیر آبی رفتن و نیرنگ بازیهای هستند که فقط به پشتوانه حراج و تباہ کردن سرمایه های ملی می تواند در دستور کار شان قرار بگیرد

تأثیر تحریمها: پرتاب توپ راه حل مسالمت آمیز از استانبول به زمین جمهوری اسلامی

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۲۸ فروردین

مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی و کشورهای ۵+۱ در حالی برگزار شد که زیر بار سنگین تحریمها، فرستادگان خامنه ای نه بر صندلی بلکه، روی زانو پشت میز مذاکره قرار گرفتند. جز این، تمامی ادعاهای سعید جلیلی از روند "موفقیت آمیز" مذاکرات و ابراز رضایت طرف مقابل از "مفید و سودمند" بودن آن، اموری حاشیه ای هستند و بر اصل قضیه که جمهوری اسلامی باید برای بلند پروازیهای هسته ای اش بهای سنگینی بپردازد، تاثیری نمی گذارد.

اگر چه پیشتر جمهوری اسلامی خواستار برگزاری مذاکرات هسته ای در بغداد شده بود، اما مذاکرات کنونی روز شنبه ۲۶ فرودین در دو دور صبح و شب در استانبول برگزار شد. مهمترین دلایل نگرش مثبت غرب به گفتگوهای استانبول را می توان در دو امر یافت: نخست، تعیین تاریخ برای مذاکرات آتی که ۲۳ ماه مه (۳ خرداد) صورت می گیرد و دیگری، توافق بر سر دیدار و گفتگوهای دو جانبه با همه کشورهای ۱ + ۵ که شامل آمریکا نیز می شود.

جمهوری اسلامی با روشهای فریبکارانه "افکار سازی"، از پیش برای این مذاکرات زمینه سازی کرده بود. به عنوان نمونه، خامنه ای به "نکات خوب و مثبت" در سخنان اوباما و رفسنجانی با گفتن اینکه "حتی آیت الله خمینی هم در رابط با آمریکا تجدید نظر می کرد"، تاکید کرده بودند. از سوی دیگر، برای رد گم کنی بیشتر، علی باقری، معاون شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی شرط می گذارد که غرب برای ورود به مرحله مذاکرات سازنده، از تحریمهای خود باید عقب نشینی کند.

اما هیچیک از این مانورها تغییری در این امر نمی دهد که کشورهای غربی به گفته گیدو وستروله، وزیر خارجه آلمان که می گوید، "ما نیاز به اقداماتی عملی و فوری داریم" و "ایران باید ثابت کند به تعهدات بین المللی خود پایبند بوده و قصد ساخت سلاح هسته ای را ندارد" پافشاری دارند. وی همچنین مذاکرات را تنها شانس دستیابی به "راه حل سیاسی" برای رفع بحران خواند.

این آخرین شانس حکومت ولی فقیه است که مناقشه ی هسته ای خود را به طور "مسالمت آمیز" خاتمه دهد. اما از سوی دیگر، این شکست و عقب نشینی مفتضحانه ای برای جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد مردمی و بحران آفرینی خواهد بود که تاب استقامت زیر بار پیامدهای سنگین آن را نخواهد داشت.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabarad@iran-nabard.co

شهدای فدایی در اردیبهشت ماه

رفقا: رفقای فدایی: کاظم سعادت - بهروز دهقانی - خلیل سلمانی نژاد - شیرین معاضد (فضیلت کلام) - هادی فرجاد پزشک - عبدالله پنجه شاهی - علی اکبر (فریدون) جعفری - مرضیه احمدی اسکویی - هیبت الله بهرامی -- محمود نمازی - لادن آل آقا - مهوش حاتمی - مهدی حاتمی - محمدرضا و احمدرضا قنبرپور - فرزاد دادگر - حبیب برادران خسروشاهی - عزت غروی - ارژنگ و ناصر شایگان شام اسبی - فرهاد صدیقی پاشاکی - هوشنگ اعظمی لرستانی - تورج اشتری تلخستانی - مسعود دانیالی - فرشته گل انبریان - قربانعلی رزگاری - جهانگیر باقرپور - رضا نعمتی - بهروز ارمغانی - اسماعیل عابدی - زهره مدیرشانه چی - حسین فاطمی - میترا بلبل صفت - علیرضا باصری - مریم پنجه شاهی - نسیرین پنجه شاهی - حبیب الله مومنی - منصور فرشیدی - محمود خرم آبادی - مصطفی حسن پور اصیل - فریده غروی - کمال کیانفر - محسن رفعتی - احسان الله ایمانی - غلامحسین خاکبلز - رویا علی پناه فرد و مقصود بیرام زاده از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 321 20 mars. 2012 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION